



دو شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۶ برابر ۱۴ مارس ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۹

بایسز نای گندم چنگیز

اینجا غبار صورتی و سبزی،
پاشیده اند روی درختان دور دست.
که در هوا، هنوز شناور، معلق است.
از راه دور، بوی بهار ترا هنوز،
آمیخته به خون خزان،
احساس می کنم
ای جلگه ای که رایحه هجرت
از برگ برگ باغ و بهار تو می وزد.

می بینم، آه، آنجا،
گنجشک ها که بر لب پاشوره های حوض،
با ماهیان سرخ، سخن از مهاجرت،
می گویند

بایسزه نای گندم چنگیز
دهقان توس و تبریز!
نوروز باستانی فرخنده باد!

شعبی کد کنی
از مجموعه "بوی جوی مولیان"

نوروز پنجره ای به بهار زندگی و طبیعت

سال نشود، ماه نشود، روز نشود. دیگر
بهار، به فراز آمدن بهار، رگهای گیاه و
درخت از جریان تازه حیات آکنده
می شوند. غبار از خانه برمی گیریم.
غبار از دل و از جان و می ستریم. به نو
شدن روز، دل و جان تازه می کنیم و
هزاران سالگی مبارک نوروز را،
شادمانه جشن می گیریم. نیاکان ما
"نوروز" را روز یگانگی ها،
مهرورزی ها، شادمانیها و دوستیها
قرار داده اند. نوروز را که روز ورق
خوردن سال از خشکناهی به طراوت،
از پیچ بستگی به سبزه، از خردگی به
نیر و مندگی و شادابی، از زمستان به
بهار است، همانند نیاکان خویش
مبارک و شگوه می داریم.

نوروز آمده، اهریمن نفرت بار
چنگ اما، همچنان بر فراز میهن ما
می چرخد. بیرون اهریمن و پهلشتی ما،
برخانه و زادگاه ما، چنگ نفرت و
ویرانی فرو برده اند. اهریمنان
شاد، کس، دشمنانه، به سخن گرامی
ملت ما، به هر آنچه که نشانی از
فراخ اندیشی، میهن دوستی و عشق دارد،
بیورش آورده اند. می کوشند تا بجای
سفره هفت سین سفره سوگ در خانه هایمان
بگسترند
می کوشند تا به جای
چراغانی شوق و شادی، حسله ها، مرگ
را در خانه ها و گذرگاه هایمان چراغان
کنند. می کوشند تا بجای کلاب و

لپخند، خاک مرده و آوای شوم تفریت
بر میهن ما بپاشند. دیسه های
اهریمنان را، تا به اکنون واپس
رانده ایم و ازین پس نیز واپس
خواهیم راند.
حرمت کشته گان بی گناه این
چنگ اهریمنی را پاس می داریم. با
دردمندی دل های خائوارهایی که
ناخواستند، چنگ از آنان قربانی
ستاده است، همدردی می کنیم. یاد و
نام عزیزان از دست شده خویش را
پاس می داریم اما...
به خواست اهریمن تن نمی دهیم
و اگر امید داشت سفت های، گرامی خویش
را از یاد نمی بریم. نوروز، ارتبه ای
پس بر بهاست که از گلشنکانه به ما
رسیده است. "نوروز" را با گستردن
سفره هفت سین، با وسعت دادن
روشنایی در آبها، آیفه ها، دلها و
چشم ها جشن می گیریم. تاریکی ها را از
شان و مان و دل و جان خود دور
می کنیم. گل و گیاه تازه می رویانیم.
کلاب و بوهای خوش در سرامی خویش
می بر اکثیم.

اهریمن، سکوت و مرگ
می خواهد. ما هلهله می کنیم و سرود
زندگی را سر می دهیم. اهریمن، رنگ
سیاه و اندوه می خواهد، ما رنگهای
شادمانه و شادی بهارانه را گسترش
می دهیم. اهریمن، عزا و تعزیت

می خواهد، ما مشعل عشق و دوستی و
سرزندگی را بر می افروزیم. اهریمن،
دیو ها و ددان خویش را بر جان ما و
میهن ما و هستی ما مسلمانا می خواهد. ما
اما، به تیر و منغدی، دست در دست
یکدیگر می نهیم تا مرگ و نیستی و
تباهی را از جان خود، میهن خود و

هستی خود دور کنیم.

اهریمن "نوروز" را خوار
می شرد و کبر به فابود، اش بسته
است. ما نوروز را جشن می گیریم و
پاس می داریم. روز نوروز، بر همه
ایرانیان مبارک و گرامی باد!

در این شماره

یک روایت

از نخستین روزهای آخرین دور جنگ شهرها
در صفحه ۲

تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور
علیه موسک باران شهرها

در صفحه ۷

کارشکنی پاکستان و جمهوری اسلامی
در عادی سازی اوضاع در افغانستان

در صفحه ۵

میلیونها انسان، دو هفته انباشته شدن کین و نفرت از
جنگ افروزان، این است. حاصل این دور از جنایات
نوبتی دو رژیم علیه مردم غیر نظامی شهرها و روستاها.
آیا این دوره آخرین دور جنگ شهرها بود؟

اگر این را از خمیختی بپرسد، می گوید نه! او از
جنگ بیست ساله هم آهایی ندارد. "فرق نمی کند
مرگ با تانک و توپ باشد یا با موشک". خلیفه
جماران و نوکرانش، هنوز با بی شرمی وعده ادامه
جنگ در جبهه ها را می دهند. و در آن سوی مرز نیز
جنایتکاری همچون رقبای آخوندش نشسته است. "تا
جنگ هست، جنگ شهرها هم هست." صدام حسین در
روز پنجمه ۲۰ اسفند ماه گفت به شرط اینکه
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حمله تازه ای در
جبهه ها سازمان ندهند و به شرط اینکه آخرین شربه را
بقیه در صفحه ۳

توقف جنگ شهرها

آیا این آخرین دور جنایات نوبتی دور رژیم بود؟

نهمین دور جنگ شهرها پس از ۱۴ روز متوقف
شد. از این ۱۴ روز، ۱۲ روز آن صرف "جنگ
موشک ها" شد. خمینی و صدام حسین، مانند آخرین
روژه های سال ۶۲، در آستانه عید نوروز سال ۶۷ نیز
شادی مردم را به زهر دمنشی خویش آلودند. تهران،
اصفهان و قم برای نخستین بار در طول جنگ هفت و
نیم ساله، آماج موشک های زمین به زمین عراق قرار
گرفتند. دهها شهر و روستا در ایران و عراق بمباران و
کلوله باران شدند. صدها تن کشته و هزاران مجروح،
صدها خانه و مدرسه و بیمارستان ویرانه، دو هفته
تکرانی و اضطراب و وحشت، دو هفته گریز و در بدری

نامه‌ای از تهران، از میان خون و آتش و دود

یک روایت از نخستین روزهای آخرین دور جنگ شهرها

برداشتیم، می‌خواهم بروم کرج. همه تصمیم داشتند به کرج، دماوند و یا جایی در اطراف تهران بروند، بخصوص که چهارشنبه (فردای آفر روز) هم بخاطر تولد حضرت علی تعطیل رسمی بود.

ساعت ۲ بعد از ظهر خیابان ایرانشهر مورد حمله قرار گرفت. من یک ربع بعد از آن به مقصد خانه به راه افتادم. مردم سه پشته کنار خیابان ایستاده و منتظر تاکی می‌بودند. تمام ماشین شخصی‌ها از مسافر بر بودند، خیابان انقلاب بکلی راه‌بندان بود. بمب‌بازان هم صاف‌های یک کیلومتری داشتند. در راه آژیر قرمز زده شد، رادیو از لایق‌های هوای بهاری می‌گفت و این بدتر مردم را عصبانی می‌کرد. بالاخره سوار یک کرایه شخصی شدم. راننده یک دانشجوی دانشگاه بود که می‌گفت: "صبح رفتم کلاس دیدم شیشه‌ها خرد شده." سر راه دختری سوار شد و با وحشت پرسید: "الان وضعیت قرمز؟" گفتیم: "هروقت که وضعیت قرمز بوده خبری نشده." یکی از مسافرها حالت کوییده رادیو را به خود گرفت و گفت: "علامتی که هم اکنون می‌شنوید اعلام خطر با وضعیت قرمز است و معنی و مفهوم آن این است که آمده، زده و رفته!"

آن شب باز هم حمله موشکی شد. آن شب هوا بارانی و همراه رعد و برق بود. غرش رعد و نور برق فرقی با نور موشک و صدای انفجار آن نداشت. ما مجبور بودیم با رعد و برق هم از ترس به زیر زمین (پناهگاه) پناه ببریم. تلویزیون گپگاه برنامه را قطع می‌کرد و با مایه و هوای فراوان از فرستادن موشک، به سمت بغداد حرف می‌زد.

روز بعد موضوع صحبت، گفته‌های خمینی بود که می‌گفت "مردم به این موشکها می‌خندند!" یکی می‌گفت "دیدم خره چی گفت. نفس از جای گرم بلند می‌شود." مردم دیگر در کوچه و خیابان، تاکی و اتوبوس بدون ترس به خمینی و دارو دست‌اش فحش می‌دادند. یکی تعریف می‌کرد که جلوی مغازه‌اش ایستاده بود که ناگهان موشکی به فودیک آن محله اصابت می‌کند. مردم دوروبر همه با ابراز بی‌زاری و گفتن بدو بپناه و فحش نسبت به خمینی به طرف محل اصابت موشک در می‌زدند که به مجروحان کمک کنند. در آنجا زنی با لباس خونی از خانه‌ای درمی‌آید و می‌گوید: "دخترم زیر آوار مانده، ای مرگ بر خمینی، انشاءالله خمینی به عذای احمدش بشیند..." مردم هم با او هم صدا شده بودند که ناگهان گروهی

هم صدا. نزدیک شدن موشک (که صدایش تقریباً مثل صدای رد شدن هواپیما است) بگوش رسید و پس از آن دو انفجار بی دربی همه از شدت وحشت خشک زده و در مانده شده بودند. نمی‌دانستیم چه باید بکنیم. تمام چراغها را خاموش کردیم. برخلاف دفعات پیش برق شهر قطع نشده بود. ولی ما هنوز شک داشتیم که هواپیما است یا موشک. اوضاع که کمی آرام شد تمام اعضای آپارتمان در طبقه اول جمع شدند. صاحبخانه سعی می‌کرد با شوخی بقیه را دل‌داری دهد. اما شوخی‌های او فمی‌توانست کسی را بخنداند. دختر بچه همسایه‌مان از ترس زبانش بند آمده بود و هذیان می‌گفت.

طفل معصوم همچنان هذیان می‌گفت. مادرش داشت او را دل‌داری می‌داد. ناگهان یکبار دیگر برق شدید درخشید، و صدای انفجار خانه را لرزاند. دختر بچه همسایه هم از ترس به لرزش افتاد. همه برای دل‌داری بچه گفتند، ترقه بود، چهارشنبه‌سوری است. اما رنگها پریده و صورتها وحشت زده بود.

تا ساعت ۲ شب ما همه توی خانه همسایه پائینی مانده بودیم. فکر می‌کردیم آنجا امن‌تر است. در فاصله دو انفجار همسایه‌ها با یکدیگر گفتگو می‌کردند. گفتگو که نبود، فقط فحش بود که به خمینی می‌دادند. موشک دوم که مخفی‌تر شد یکی داد کشید پس چرا "بیت‌امام" را نمی‌زنند. "مرتیکه رفته تو، غار زیر کوه قایم شده."

فردا صبح (سه‌شنبه) به سرکارم رفتم. قیافه همه خواب‌آلوده بود و همه دهن در ه می‌کردند. کمی بعد از ساعت ۱۰ باز هم صدای انفجار آمد. یکی از همکاران به زحمت توانست شماره منزلش را بگیرد. چون در این مواقع تلفن‌ها به سرعت اشغال می‌شود و بعضی خطها به کلی خراب می‌شود. کمی بعد فهمیدیم که موشک در خیابان شیروی هوایی منفجر شد. با این خبر آقای... همکار دیگرمان دو دستی زد به سرش و از محل کار زرد بیرون. مدرسه بچه آقای... در خیابان شیروی، هوایی بود. یکی دیگر او همکاران رو کرد به ما و گفت: "همه تعطیل کرده‌اند، ما هنوز کار می‌کنیم. من که دیگر نمی‌مانم. مگر چاتم را از سر راه

مسیر بازگشتش به منزل از ۲۵ شهریور بود. همسایه بقلی که خیلی مضطرب بود، گفت شوهرش هم هانجا تدریس خصوصی دارد و تا حالا هم نیامده... همسایه دیگرمان گفت: "مه‌ری و مه‌بین هم که خرید رفته بودند، هنوز نیامده‌اند." تلفن هم مرتب زنگ می‌زد و همه تأیید کردند که ۲۵ شهریور را زده. در زیر زمین نشسته بودیم و یکی بچه‌ها می‌آمدند، شوهر همسایه بقلی بالاخره آمد و گفت مسجد الجواد را زدند. مگرانی مادر من شدیدتر شد. بعد دوست برادرم از راه رسید و گفت که در امجدیه بوده که شیشه‌های سالن شکست و ریخت سرشان. موج انفجار سالن بادی نزدیک زمین، ماشین او هم هوا و انداخته زمین. ماشینی را برده بخاطر شیشه خورده‌ها پنجره شده بود. ساعت هفت و نیم شده بود که برادرم رسید. او پیش از انفجار در راه‌بندان ۲۵ شهریور گیر کرده بود. به همین خاطر انفجار موشک را با چشم خود دیده بود. او برایمان تعریف کرد که "ناگهان دیدیم آسمان بکلی قرمز شد و نور شدیدی آمد، بدفحال آن صدای مهیبی بلند شد و ماشین از جایش کنده شد. از ماشین که پیاده شدم، سنگ و خاک بر سرم می‌ریخت. همه مردم با عجله به طرف محل انفجار می‌دویدند، بمب درست کوچه بالای مسجد الجواد افتاد." تا آن موقع ما هنوز نمی‌دانستیم که انفجار مال موشک است و همه تعجب می‌کردیم که چرا صدای هواپیما نمی‌آید و یا چرا صداهایی نمی‌زنند.

ساعت حدود ۸/۵ بود که اول صدایی شبیه صدای هواپیما آمد و بعد صدای انفجار که خانه را لرزاند با زخم تلفظها شروع شد که کجا بود. این بار خیابان‌ها خیلی خلوت شده بود و همه در خانه مانده بودند. مردم دیگر از بهارهای پیش‌تر به‌دانشند که اگر هنگام انفجار در خیابان باشند موج انفجار صدمه زیادی می‌زند و با اصطلاح "موجی" می‌شوند.

حدود ساعت ۱۲ شب، فوری مانند فلاش عکاسی در پنجره توجه مرا جلب کرد. پس از لحظاتی صوت انفجار و موج آن رسید و شیشه‌ها به شدت لرزید. پس از دو سه دقیقه آژیر قرمز صدا در آمد. این اولین بار بود که علامت قرمز می‌دادند. ما به سرعت به زیر زمین خانه رفتیم، باز

روز دوشنبه به قصد خرید به چهارراه امیر اکرم رفته بودیم، بعد از آن تصمیم داشتیم به ۲۵ شهریور رفته و چند تکه لباس برای شب عید بخریم. ساعت یک ربع به شش بعد از ظهر بود که سوار تاکی شدیم. در راه تصمیمان عوض شد. سر خیابان تخت‌طاووس از تاکی پیاده شدیم و منتظر تاکی بعدی بودیم که ناگهان آسمان روپرو ما قرمز شد و صدای مهیبی آمد. به سرعت به کفار پیاده‌رو زیر چتر مغاوه‌ای آمدیم. مردم همه از هم می‌پرسیدند: صدای چه بود... دوباره شروع شد... نه! بمب دستی بود...

خلاصه تاکی گرفتیم و رفتیم توی تاکی راننده گفت: "خانم فکر کنم بمب دستی بود... مردم به این علت اول فکر می‌کردند بمب دستی است که یک هفته گذشته نقاط مختلف تهران از جمله نیاوران شاهد انفجار بمب دستی بود. چون نخست‌وزیر ترکیه هم تهر آن بود. روز شنبه ۵ نفر را به اتهام بمب‌گذاری دستگیر کرده و در میدان فردوسی در جلوی چشم مردم به دار کشیدند. راضفده ادامه داد که "مردم دیگر صدای بمب هواپیما را می‌شناسند پس چرا اصلاً صداهایی نزنند؟" دیگری می‌گفت: "آخر صدایش خیلی شدید بود." حرف این مسافر هنوز تمام نشده بود که ناگهان صدای وحشتناکتری بلند شد و بصورت کشیده پخش شد، تاکی تکافی خورد و راننده سرش را دوید. مسافری گفت: "بی‌شرفا خودشان شروع کردند. بعد از اینکه عراق پالایشگاه را زد آنها بغداد را با موشک زدند" دیگری فوری گفت و "چهارتا موشک زدند به بغداد. تقصیر خودشان است، راننده تاکی گفت: "نمی‌دانم که بمب بود یا نه، آندفعه بودند من درست آنجا بودم که شیشه‌های تاکی خرد شد. این یکی هم هر چه بود خیلی نزدیک اینجا بود." از تاکی که پیاده شدیم به سرعت به طرف خانه آمدیم. (من و مادرم). مادرم ابراز نگرانی زیادی بخصوص برای برادرم می‌کرد.

دم در خانه همه همسایه‌ها جمع شده بودند. از راه که رسیدیم گفتند: "۲۵ شهریور را زدند، شما آنجا نبودید؟" ما دیدیم که چه شائسی آوردیم آنجا نرفتیم ولی دلواپسی، برای برادرم بیشتر شد. آخر او

توقف جنگ شهرها

آیا این آخرین دور جنایات نوبتی دور رژیم بود؟

پرتاب بیش از ۲۰ موشک به شهرهای عراق، است. گزارشهای دیگری، با اختلافات اندکی، همین گزارش را تایید می کنند.

جمهوری اسلامی، شمار کشته شدگان موشک باران تهران را نزدیک به ۲۰۰ تن اعلام کرده است. با توجه به اینکه بیش از ۵۰ موشک به تهران، آن هم به محلات پرجمعیت و پرتراکم اصابت کرده اند، این رقم بسیار کمتر از رقم واقعی است. عراق خبر از تلفاتی بیش از ۲۰۰ تن داده است که این رقم نیز با در نظر گرفتن قدرت تخریبی بیشتر موشک های برد کوتاه جمهوری، اسلامی نسبت به موشک های میان برد عراق، غیر واقعی است.



صفحه ای از تهران در هفته گذشته

عزیز الله سر می رسد و می گویند، "جنگ جنگ تا پیروزی... مردم با ابراز تنفر شدید نسبت به آنها، وادارشان می کنند در موضعه دفاعی قرار گیرند."

رادیو مرتب اعلام می کرد: "از تجمع در کنار محل های بمباران شده خودداری کنید، در خیابانها زیاد پیاده راه فروید، عده زیادی دورم جمع نشوید، به کودکان دلدار، دهید..."

پنجشنبه ساعت ۲/۵ صبح صدای انفجار موشک اهالی تهران را از خواب براهاند. روز بعد (جمعه) تلویزیون با افتخار اعلام می کرد که قدرت تخریبی موشکهای ما ۴ برابر قدرت تخریب موشکهای عراق است. و تکه پاره های موشک را نشان می داد. از محل های بمباران شده، بیشتر بیمارستان عیوض زاده که یک زایشگاه خصوصی است نشان داده می شد. در این زایشگاه ۸ واثو کشته شدند و عده زیادی کودک تازه بدنیا آمده جوانترین کشته یک کودک یک ساعته و پیرترین قربانی یک ۷۰ ساله بود.

روژ جمعه اوضاع تقریباً حالت عادی بخود گرفت. دیگر بمب بمبزیین ها شلوغ نبود. مغازه ها بیشتر از روزهای قبل باؤ بودند. فروشنده ها با خوشحالی به هم می گفتند: "بفرش، آتش بسه". حدود ظهر من اومیدان ۲۵ شهریور رد شدم. مظهره خرابی در ۲۵ شهریور خیلی وحشتناک بود. شیشه های خانه ها تا شعاع ۵۰۰ متر شکسته شده بودند عده ای مشغول اندازه گرفتن پنجره ها برای ترمیم آن بودند. ماشین های پارک شده تا دو کوچه اینطرف و آنطرف زیر آوار له شده بودند. داخل کوچه مردم ازدحام کرده بودند. ولی حق داشتند جلو بروند. در این محل اعضای یک خانواده (یک زن و شوهر و دو پسر کوچک) از قربانیان این موشک بودند. خرابی در خیابان نیلوفر (آبادان، نوبخت) کمتر بود. چون موشک به خود خانه اصابت نکرده بود ولی طبقه دوم دوساختمان اینطرف و آنطرف خیابان نیمه ویران شده بود. مردم تاوه داشتند آرامش خود را باز می یافتند که در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر یک موشک به خیابان سلطان اصابت کرد. در یکی از خانه های این محل مجلس مهمانی بود که حدود ۲۰ نفر در آن شرکت داشتند. همه آنها در جا به قتل رسیدند.

ساعت ۵ صبح امروز (شنبه) باز هم صدای انفجار آمد مردم همه بسوی تلفن ها شتافتند. بعد دهن به دهن چرخید که "سید خندان رازده"...

بقیه از صفحه اول

در جنگ شهرها عراق وارد کند. حاضر است از روز جمعه ۲۱ اسفند، ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به این دور از جنگ شهرها پایان دهد. صدام حسین به حرف خود عمل کرد، در روز جمعه، آخرین روز، تهران و قم هدف حملات موشکی و همدان، بروجرد، دزفول، اراک، اردبیل، مراغه، ایلام، باختران، باهه، اسلام آباد و روستایی از توابع رشت، آماج بمباران هوایی شدند.

یک هفته دیگر اضطرار اپ

یک هفته دیگر

مرگ و ویرانی

در روز دوشنبه ۱۷ اسفند، عراق سه فروند موشک به تهران شلیک کرد، طبقه آمار رادیوی جمهوری اسلامی، در این روز در تهران ۱۲ تن کشته و ۲۰ تن مجروح شدند. در همین روز، جنگنده های عراقی ۱۷ شهر ایران را مورد حمله قرار دادند. در اراک و مریوان، حملات این روز تلفات و خسارات سنگینی به بار آورد. شهرهای ام القصر، العماره، القرنه و موصل در عراق نیز در این روز هدف موشک ها، توپها و بمبها، جمهوری اسلامی بودند.

در روز سه شنبه ۱۸ اسفند، سه موشک به تهران، یک موشک به قم و یک موشک به اصفهان اصابت کردند.

دو موشک جمهوری، اسلامی به بغداد شلیک شدند و العماره توسط هواپیماهای ایرانی بمباران شد.

چهارشنبه ۱۹ اسفند، سه موشک به تهران و دو موشک به بغداد اصابت کردند. در این روز پس از سه هفته، باز دو نفت کش در خلیج فارس مورد حمله دو طرف قرار گرفتند. تا این روز، ۴۸ موشک به شهرهای ایران و ۲۰ موشک به شهرهای عراق شلیک شده بود.

پنجشنبه ۲۰ اسفند، اندکی پیش از طلوع آفتاب دو موشک عراقی (که "ال حسین" نام دارند) به تهران شلیک شدند. دقایقی پیش از آن، شاری، از مردم بی گناه بصره و القرنه عراق قربانی حملات توپخانه جمهوری، اسلامی شده بودند. در این روز همچنین اصفهان، همدان، اراک، دزفول، شوشتر و شهرکرد بمباران هوایی شدند. زبیداده، العماره و ام القصر در این روز توسط نیروهای جمهوری اسلامی بمباران یا کلوله باران شدند.

و بالاخره در روز جمعه، ۲۱ شهر در ایران و چند شهر عراق در جریان حملات متقابل آسیب دیدند.

در باره شمار کل موشکهای پرتاب شده، آمارهای متفاوتی منتشر شده است. یک گزارش حاکی از شلیک ۶۱ موشک عراقی به تهران، اصفهان و قم (از جمله ۵۵ موشک به تهران) و

شمار دهبلماتیک برای پایان دادن به جنگ شهرها

در روز سه شنبه ۱۸ اسفند، اتحاد شوروی، خواهان تشکیل اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ شهرها شد. عراق مخالفت خود را با این پیشنهاد اعلام کرد. علت این مخالفت، چنین بیان شد که پایان جنگ شهرها، به رژیم خمینی فرصت غلبه بر بحران ناشی از حمله به مناطق مسکونی را خواهد داد.

در روز پنجشنبه ۲۰ اسفند (۱۰ مارس)، صلیب سرخ بین المللی در ژنو دفتر انسانی خود را از آغاز مجدد جنگ شهرها اعلام کرد و از دو کشور خواست به جنگ پایان دهند. در همین روز کنفدراسیون گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت موشکهایی که در چارچوب قرارداد دفاعی با عراق به این کشور تحویل داده شده اند دارای بردی فزایدند که به تهران برسد. گراسیموف افزود هر گونه تغییر فنی موشک های تحویل داده شده به عراق مستلزم اجازه دولت شوروی است و دولت شوروی چنین اجازه ای، به عراق نداده است. سخنگوی وزارت خارجه شوروی باردیگر بر ضرورت پایان دادن به جنگ شهرها و نیز اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش بس تاکید ورزید.

انتشار لیست نامزدهای انتخاباتی در تهران

تبدیلات انتخاباتی و تلاش چنانچه، رژیم جمهوری اسلامی از هفته گذشته، فراژتازه‌ها، به خود گرفته‌است. در تهران انجمن اسلامی معلمان، گردانندگان خانه کارگر و اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) دست به تهیه یک لیست ائتلافی زده‌اند که تا کنون روی ۲۸ تن از نامزدها به عنوان کاندیدای مشترک به توافق رسیده‌اند. بفا به‌نوشته مجامعات دولتی در جمع کاندیداهای ائتلاف سه گانه نام برخی از نمایندگان قبلی مجلس دیده می‌شود.

از سوی دیگر "روانیت مبارز تهران" که توسط مهدوی، کئی نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی اداره می‌شود، تاکنون بر روی ۳۰ تن از داوطلبین نمایندگی مجلس سوم به‌عنوان کاندیدای خود به‌توافق دست یافته‌اند. در میان کاندیداهای این گروه نیز تعدادی از نمایندگان فعلی و برخی از نمایندگان مجلس اول حضور دارند. مهدوی کئی دو ماه پیش طی مصاحبه با روزنامه "تیران تایمز" احتمال هر گونه ائتلاف با انجمنهای اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) را رد کرد.

مسئولین "دفتر" از اوایل ماه جاری، جهت هماهنگی فعالیت‌های انتخاباتی و تبلیغی خود، یک نشریه مرکزی، نشریه فعالیت دومین دوره مجلس و عملکرد نمایندگان در این دوره مورد بررسی قرار گرفته‌است.

همچنین هفته گذشته از سوی ائتلاف سه گانه میوزگردی، در تهران با عنوان "بررسی چشم انداز مجلس سوم با تاکید بر حاکمیت نظام امام رتد اوم جنگ" تشکیل شد. در این میوزگردی دعای دوزدوزانی نماینده تهران، محمد اصغری، نماینده تهران و سرپرست

روزنامه کیهان، رضوی، نماینده تبریز و برخی دیگر از نمایندگان به سخنرانی پرداختند. در پایان میوزگردی اصغری در رابطه با مجلس و مجمع تشخیص مصلحت، بر این نکته تاکید کرد که اگر مصوبات مجلس آینده با نظرات مجمع تشخیص مصلحت اختلاف "زیر بنیایی" داشته باشد، مجمع در مقابل آن نمی‌تواند کار، بکند.

در آستانه آغاز ثبت نام کاندیداهای یکی از افرادی که به قصد کاندید شدن در شهر نور از توابع ساری از سمت اجرایی خود استعفا داده بود، به اتهام جعل اسناد سیاه باو داشت شده است.

سختگوی شورای تکمیل صبح روز چهارشنبه ۱۹ اسفند طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام اسامی کاندیداهای مختلف از سوی وزارت کشور را "غیر قانونی" و "متک حیثیت" کاندیدها خواند و تاکید کرد که نظارت بر اجرای انتخابات، و تصمیم نهایی، از اختیارات شورای تکمیل است و هیچ مقامی بر شورای تکمیل نظارت ندارد و این شورا نیز نظارت ولی فقیه بر تمام کارها قاطع است.

در این مصاحبه که آیت الله مومن نیز شرکت کرده بود در زمینه فعالیت "احزاب و گروهها" به خبرنگار روزنامه رسالت گفت: "انجمن‌ها، گروه‌ها، احزاب و جمعیت‌ها می‌توانند در حوزه فعالیت خود کاندیدای خود را تبلیغ کنند. او سوی شورای تکمیل کاشانی، مومن، اشعری، علیزاده و ممتاززاده به عنوان اعضای مرکزی نظارت شورای تکمیل بر انتخابات معرفی شده‌اند.

برخی از رویدادهای که طی دو هفته گذشته در حاشیه مسائل انتخابات رخ داده در کلیشه‌های زیر منعکس است. این کلیشه از روزنامه کیهان برگرفته شده‌است.

افزایش بهای ارز و سکه

به گزارش روزنامه رسالت ۶ اسفندماه، در آخرین روزهای سال جاری، بهای ارز و سکه در بازار آزاد تهران رو به افزایش گذاشته است. طبق این گزارش بهای اقلام مختلف ارز و سکه در روز ۵ اسفندماه به شرح زیر بوده است:

دلار آمریکا، ۱۱۵ تا ۱۱۶ ریال.
مارک آلمان غربی، ۶۶۵ تا ۶۷۰ ریال
پوند انگلیس، ۱۹۹ تا ۲۰۰ ریال
سکه بهار آزادی، ۱۲۸۰۰ ریال.

امسال هم

از عهدی کارکنان دولت می‌دویدند

دبیر ستاد بسیج اقتصاد، اعلام کرد از تاریخ ۲۰ اسفند "از محل عید، و پاداش کارکنان دولت، توزیع ... منسوجات بین‌آنان آغاز خواهد شد." بدین ترتیب امسال هم تمام یابختی از عید، و پاداش کارکنان، دولت نقدا پرداخت نخواهد شد.

رژیم قصد دارد این دود، آشکارا به توزیع پارچه، پوشیده نگه دارد. اقدام مزبور در رابطه با تنگنای مالی شدید دولت است که بار آن هر چه بیشتر به دوش مردم منتقل می‌شود.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پارادایمگر جمهوری اسلامی را محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد روز پنجشنبه ۲۰ اسفند با انتشار الماعیه‌ای برای چندمین بار حکومت جمهوری اسلامی را به خاطر نقض بخش حقوق بشر محکوم کرد. در الماعیه این سازمان از جمهوری اسلامی خواسته شد که از شکنجه و اعدام زندانیان خودداری کند. در اعلامیه کمیته بین‌المللی حقوق بشر در زمینه تداوم سرکوب زندانیان و نقض میثاق‌ها، بین‌المللی توسط رژیم جمهوری اسلامی آمده است، این هفتمین سال بیابنی است که کمیته حقوق بشر از پایمال شدن حقوق انسان‌ها به بدترین شیوه آن یعنی اعدام توسط حکومت جمهوری اسلامی ابراز نگرانی عمیق می‌کند.

اعمال فشار روانی و جسمی و بدرفتاری با زندانیان سیاسی از سوی مسئولین زندانها، جمهوری اسلامی موارد دیگری است که در این اعلامیه مورد انتقاد و تکریم قرار گرفته است. در اعلامیه همچنین گفته شد که در سال گذشته طبق آمارهای رسمی دهها زندانی سیاسی که در بازداشت به سر می‌برند به دلیل عقایدشان اعدام شده‌اند.

آمار ذکر شده در اعلامیه کمیته بین‌المللی حقوق بشر تنها آن بخش از جنایات رژیم را شامل می‌شود که آمار آن در اختیار این سازمان قرار گرفته و صدها تن از انقلابیون که بی‌گناهی در زندانها و در درگیری‌ها، خیابانی به دست مزدوران رژیم کشته می‌شوند را در بر نمی‌گیرد.

هفت نفر در ملایرام اعدام شدند

در بهنجوه چنگ شهرها و در حالی که موشک اندازها و بمبارانها قضایی از رعب و وحشت رابر تهران حکم فرما کرده بود، رژیم با انجام هفت اعدام علنی دیگر، بر این رعب و وحشت افزود.

عصر روز ۸ اسفند، پنج نفر که همگی از اهالی مهاباد بودند، در میدان فردوسی به دار آویخته شدند. "دادستانی انقلاب اسلامی" اعلام کرد اتهام این عده، بمب گذاری، در میدان فردوسی بوده است. همچنین ظهر روز ۱۰ اسفند، در یکی از برفرفت و آمدترین ساعات روز، میدان تجریش شاهد صحنه فجیح به دار آویختن دو تن دیگر بود. اتهام این دو تن نیز بمب گذاری اعلام شد.

تنگه بپ شهر اجلاس مشترک ایران و شورای همکاری خلیج

به گزارش خبرگزاری فرانسه از ریاض، یکی از سخنگویان شورای همکاری خلیج فارس اظهارات ولایتی وزیر امور خارجه و معاون وی را پیرامون تشکیل اجلاس مشترک ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس تکذیب کرد. مقام مژبور اعلام نمود که هیچ کس به ایران پیشنهاد تشکیل اجلاس بین‌مسئولین ایرانی و مقامات کشورهای عضو شورا در هر سطحی نداده است.

روز ۱۷ فوریه بهارثی اعلام کرده بود که ایران جهت مذاکره به پیرامون مسایل جنگ ایران و عراق و تشنج در منطقه خلیج فارس در اجلاس مشترک کشورهای عرب عضو شورا شرکت می‌کند. این خبر را

**سازداشت یکسری از داوطلبین
نمایندگی مجلس سوم**

گزارش رسیده از ساری حکایت می‌کند که یکسری از افرادی که به قصد کاندید شدن در شهر نور از سمت نمایندگی خود کاندیدا شده بودند به اتهام جعل اسناد، سواره بازداشت شده‌اند.

تجدید نظر در انتخاباتی در مسرا سیم

گزارش دیگری حکایت می‌کند که در یکی از شهرهای استان اصفهان شخصی که قصد کاندید شدن در مجلس سوم بود به‌دلیل نقض میثاق‌ها از کاندید شدن منصرف شده است.

تبلیغ پیش از موعد

در استرا یکی از کاندیداهای مجلس سوم بر خلاف قانون و قبل از زمان مقرر تبلیغات انتخاباتی خود را با چاپ و پخش اعلامیه آغاز کرده است.

خبری از خوزستان

به گزارش رسیده از خوزستان برخی از همسایری که گزارشی به گروه وفاق عرب دارند در نظر دارند برای ایجاد نفوذ و حاکمیت بیشتر در منطقه از برخی شهرهای این استان کاندیدا گردند و در صورت ناکامی، در انتخابات امسال شرکت نمایند.

همانگونه که در شماره گذشته "اکثریت" گزارش دادیم، در روز چهارشنبه ۱۲ اسفند (۲ مارس) دور جدید مذاکرات غیر مستقیم افغانستان و پاکستان در ژنو آغاز شد. خبرگزاری افغانی باختر در تفسیری پیرامون این مذاکرات نوشت این دور مذاکرات می تواند آخرین دور آن باشد.

پیش از آغاز این دور از گفتگوها، پیرامون یک سلسله مسائل میان دو طرف توافق حاصل شده بود، از آن جمله قراردادی میان افغانستان و پاکستان درباره عدم دخالت در امور داخلی دو کشور، قراردادی درباره بازگشت آوارگان افغانی در پاکستان به میهن خود، تضمین های بین المللی برای عدم مداخله در امور داخلی افغانستان، سندی درباره به هم پیوستگی همه عناصر راه حل سیاسی و معاهده ای درباره ایجاد یک مکانیزم کنترل. تنها مسئله ای که تا پیش از دوم مارس درباره آن توافق نشده بود، ژمان بقدی خروج نیروهای شوروی از افغانستان بود. در مورد این مسئله نیز خبرگزاری ها گزارش دادند بلافاصله پس از آغاز دور جدید گفتگوها، طرفین توافق کرده اند خروج نیروهای شوروی ظرف ۹ ماه انجام گیرد.

بدین ترتیب، ظاهراً هیچ مسئله ای که مانع قراردادها در ژنو باشد، باقی نمی ماند. پس چرا این قراردادها تاکنون امضا نشده اند؟

حکومت پاکستان هر بار که دو طرف در مذاکرات ژنو به توافقی قابل قبول طرفین نرسیده اند، یا شرایط جدیدی برای امضای معاهده قرار داده و یا موافقت های، به عمل آمده نمود را پس گرفته است. این بار

سرکردگان رژیم خمینی از جمله خامنه ای، موسوی ولایتی دیدار کرد. وی گفت در طول ژمانی که نیروهای شوروی از افغانستان خارج می شوند یک دولت "افتحالی" باید جای دولت فعلی را بگیرد. مقامات رژیم

شوروی و فراهم آمدن امکان بازگشت آوارگان افغانی به میهنشان، سرکردگان ضد انقلاب افغانستان نسبت به او دست دادن پایگاه و نفوذی که در میان آوارگان دارند، دچار هراس شده اند و این موقعیت، به اختلاف میان آنها پیرامون چگونگی واکنش در قبال تحولات، دامن زده است.

یکی از نمودهای برجسته این اختلافات جدانش دارودسته سبقت اله مجده ای از ائتلاف ۷ گانه باندهای ضد انقلابی بود. پیش بینی می شود که قریباً این ائتلاف اژم بهیاشد.

موضع مشترک اتحاد شوروی و افغانستان در قبال اشواغ و اقسام شرطها و پیش شرطهایی که پاکستان و حامیانش در آمریکا و جمهوری اسلامی مطرح می کنند، این است که بازگشت نیروهای شوروی و پایان دادن به آوارگی مردم افغان نباید به آینده تحولات سیاسی داخلی این کشور معطوف شود، بلکه آنچه موضوع مذاکرات افغانستان با کشورهای خارجی است، عبارت است از پایان دادن به مداخله خارجی در امور افغانستان و بازگشت نیروهای شوروی و نیز مهاجران افغانی. چگونگی تشکیل دولت ائتلافی و ادامه روند آشتی ملی در افغانستان، امری است که مقتصراً به مردم افغانستان مربوط است.

کارشکنی پاکستان و جمهوری اسلامی در عادی سازی اوضاع در افغانستان



در این دیدارها بر هدف نبود مبنی بر به حکومت رساندن اشرار ضد انقلابی تاکید کردند.

همزمان با انجام مذاکرات ژنو نیز برهان الدین ربانی سرکرده جمعیت اسلامی، یکی از هفت گروه ائتلاف پیشاور، به ایران سفر کرد. وی از جمله ملاقاتی با مفتخری ولیعهد خمینی داشت. از سخنان منتظری خطاب به ربانی که محور آن اختلافات درون صفوف ضد انقلابیون افغانی بود، چنین برمی آید که با نزدیک شدن موعد خروج نیروهای

نیز در استافه آغاز مذاکرات ژنو، فاکهان مقامات پاکستانی شرایط و "نگرانی" های جدیدی مطرح کردند. از جمله، ضیالینی خواهان تشکیل "دولت ائتلافی" در افغانستان با شرکت ائتلاف هفت گانه گروه های ضد انقلابی افغانی، آن هم پیش از امضای قراردادی در ژنو شد. جمهوری اسلامی نیز در این میان، نقش آتشی بیار معرکه را به خوبی ایفا کرد. عبدالستار قائم مقام وزیر خارجه پاکستان در روزهای نخست اسفندماه به تهران رفت و با

بودیتی نیز تایید کرده و اعلام نموده بود که اجلاس در سطح معاونین و ژنرال ها برگزار خواهد شد.

بنا به اظهارات المسکاری معاون دبیر کل شورای همکاری خلیج، روز سه شنبه ۲۵ اسفند اجلاس شورا در ریاض برگزار می شود. در این جلسه نتایج کوشش های بین المللی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ مورد بررسی قرار می گیرد.

سفر نخست وزیر پاکستان به ایران

"محمد خان هوتی جو" نخست وزیر پاکستان ماه آینده از جمهوری اسلامی ایران بازدید خواهد کرد. تاریخ دقیق این سفر هنوز اعلام نشده است. در این سفر یک هیات بلند پایه پاکستانی، نخست وزیر این کشور را همراهی خواهد کرد. به گفته سمنون، وزارت خارجه پاکستان سفر چوتنوبه تهران به دعوت میر حسین موسوی صورت می گیرد.

موسوی دو هفته پیش در تهران میزبان اوزال نخست وزیر ترکیه بود. بنا به اخباری که قبلاً در مطبوعات دولتی انتشار یافته بود، قرار بود در پی دیدار اوزال از تهران، ضیالینی و اردتیران شود. اگر چه از دستور مذاکرات مقامات اسلام آباد با مسئولین جمهوری اسلامی هنوز معلومی گزارش نشده، اما شواهد حاکی است که گفتگوها بین افغانستان و پاکستان موضعه این در قبال مذاکرات ژنو دستور بحث دیدار نخست وزیران دو کشور باشد.

سیل در حمید به خوزستان

به شمار تلفات احتمالی سیل اشاره نشده است، اما آمده است که جاری شدن سیل به بی خانمان شدن صدها تن انجامید.

در روز سه شنبه ۱۸ اسفندماه رادیوی رژیم اعلام کرد بر اثر بارندگی شدید در روستاهای حمیدیه خوزستان سیل جاری شده است. در این گزارش،



عکس فوق، سه روز پیش از آغاز دور جدید جنگ شهرها، از دسام جمعیت در فضای بارانی تهران را در مقابل یکی از مراکز فروش میوه عبیدی نشان می دهد.

اکتوبر کدام یک داغ تویژی را در دل دارند که در تهاجم موشکها بر شاک افتاده است؟ کدام یک خود بر خاک افتادند؟

جشن‌های گرامیداشت ۱۹ بهمن عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رزم و عزم فدائیان خلق

سوئد

در تاریخ ۲۴ بهمن جشن مقدمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در شهر استکهلم و در میان استقبال پیش از ۶۰۰ تن از هموطنان ماهرکز ارگردید. احزاب برادر و ساؤمان‌های مترقی ضمن اعزام نمایندگان خود همبستگی مبارزاتی خویش را با رزم فداییان خلق ابراز داشتند.

برنامه‌های هنری این جشن که شامل موسیقی سنتی ایرانی، موسیقی آمریکای لاتین، موسیقی سوئدی، رقص لری و... بودند و در فواصل قرائت فرازهای سیاسی اجرا می‌شدند، موجی از احساسات میهنی و انترناسیونالیستی به راه انداختند.

از برنامه‌های قابل توجه اعمال انجام نمایش با "کل" سازمان بود که توجه همه تماشاگران را به خود جلب کرد. نمایش شکفتن این گل به همراه موزیک مناسب بتدریج از حالت غنچه

آغاز و با باز شدن کامل پایان یافت. علاوه بر استکهلم در شهرهای کونته‌رک و امونیز جشن‌های باشکوهی برگزار گردید که مورد استقبال واقع شد. حزب کمونیست‌های چپ سوئد، حزب کارگری کمونیست و نیز احزاب کمونیست ترکیه، پاکستان، شیلی، عراق، بولیوی و پاراگوئه و همچنین حزب سوسیالیست شیلی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و ده‌ها حزب و ساؤمان مترقی دیگر در سوئد، برای جشن بزرگداشت ۱۹ بهمن در استکهلم پیام ارسال کردند.

حضور بیش از بیست ایرانیان در جشن‌های بنیانگذاری سازمان در شهرهای سوئد جلوه‌های غرور آفرینی از همبستگی ایرانیان با رزم فداییان خلق را به نمایش نهاد.

آمریکا

گردید نیز مقدمین سالگشت بنیانگذاران، سازمان فدائیان را گرامی داشته با رزم فدائیان در راه صلح و آزادی، اعلام همبستگی کردند.

لس آنجلس

مقدمین سالگرد تولد فدائیان خلق در روز اول اسفند بر ایر با ۲۰ فوریه در شهر لس آنجلس جشن گرفته شد. این جشن شامل بخش‌های سیاسی و هنری بود.

قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

اسپانیا

فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسپانیا آغاز هجدهمین سال زندگی انقلابی سازمان خود را اسامال در محل انجمن فرهنگی کوبا - اسپانیا، نمایندگان احزاب برادر، سازمانها و جمعیت‌های دمکراتیک و شماری از شخصیت‌های ترقیخواه اسپانیا جشن گرفتند.

برنامه جشن، شامل قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان خطاب به اعضا و هواداران سازمان و نیز سخنرانی "کارلوس پائیس" فیلسوف و شخصیت برجسته و ترقی خواه اسپانیا، پیام‌های شادباش حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلقهای اسپانیا و شادباش نمایندگان نیروهای انقلابی و صلحدوست از فلسطین و شیلی بود. از فلسطین هیات نمایندگی ساف و از شیلی نمایندگان جبهش چپ انقلابی (میر) در جشن حضور داشتند.

(اکثریت)، سخنرانی درباره مقاومت زندانیان سیاسی ایران در اسارتگاه‌ها، رژیم خمینی، نمایش یک فیلم ویدئویی تحت نام نقش حقوق بشر در ایران، اجرای آواز "یادبود" و نمایش فیلم "چند جمله ساده" اثر رضا علامه‌زاده، بخش‌های مختلف این جشن بودند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در لس آنجلس که همبستگی با زندانیان سیاسی از محورها، اصلی آن بود، در فضایی سرشار از پیوندهای مبارزاتی، پایان یافت.

ایتالیا

بعد از هر روز شنبه اول اسفند (۲۰ فوریه) با حضور صدها تن از ایرانیان مقیم رم و میهمانان خارجی مراسم گرامی داشت مقدمین سالگرد بنیانگذاران، سازمان، در شهر رم برگزار شد.

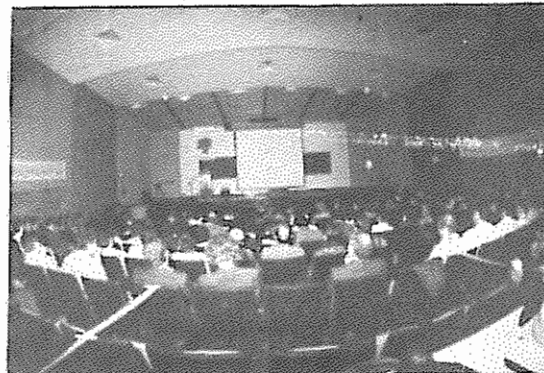
قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان خطاب به اعضا و هواداران، قرائت چند پیام از مجموعه پیام‌های ارسال توسط احزاب و سازمانهای دوست، اجرای تئاتر "صلیب گچی" اثر برتولت برشت و خواندن یک تحلیل سیاسی درباره ایران از جمله برنامه‌ها، این مراسم بودند که بخش‌های مختلفی از آنرا به خود اختصاص دادند. فداسیون جوانان کمونیست ایتالیا از جمله سازمانهایی بود که پیام آن توسط "لرچائوکی" عضو هیات اجرایی کشور، خوانده شد. در ابتدا، پیام چنین آمده است.

"رفقای عزیز بمناسبت مقدمین سالگرد بنیانگذاران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مایلیم از طرف فداسیون جوانان کمونیست ایتالیا و ۵ هزار کمونیست جوان گرمترین و برادرانه‌ترین همبستگی مبارزاتی خود را با شما اعلام نمایم."

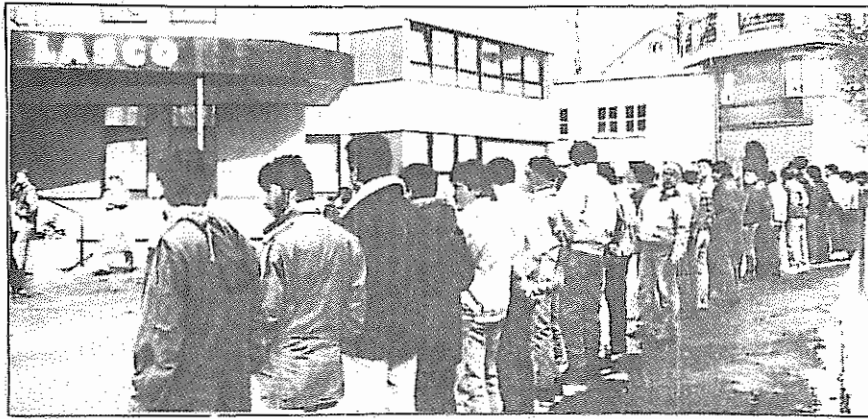
در بخش دیگری از این پیام پس از اشاره به جنگ ایران و عراق و بیان اینکه "ما از تلاشهای شما جهت پایان یافتن جنگ خونین، بی‌موده و برادرکنی ایران و عراق واقفیم و آنرا ارج می‌نهم" نقش کشورهای امپریالیستی منجمله ایتالیا در تجارت اسلحه با ایران افشا و محکوم شده است.

حزب کمونیست ایتالیا در پیامی که بمناسبت سالگرد بنیانگذاری سازمان ارسال داشته قید کرده است.

"بار دیگر احترام و همبستگی کمونیستهای ایتالیا را نسبت به همه کسانی که همانند شما برای تحقق دمکراسی در کشورتان مبارزه می‌کنند مورد تاکید قرار می‌دهیم... به شما نسبت به تلاش‌های مستمر حزب کمونیست ایتالیا به منظور اینکه برای خلقهای ایران و عراق آزادی و صلح تضمین گردد، اطمینان خاطر می‌دهیم... حزب کمونیست ایتالیا"



تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور علیه موشک باران شهرها



موشک باران روزمره شهرها، میهنمان که حاصل جنگ افر و زی خمینی و ددمنشی صدام حسین بود، اعتراض سراسری هموطنانمان در خارج از کشور را برانگیخت. در بسیاری از شهرهای اروپا، غربی و نیز در آمریکا، ایرانیان مقیم این کشورها تظاهراتی به این مناسبت بر پا کردند.

آلمان فدرال

* در روز شنبه ۱۵ اسفند (۵ مارس) شهرهای کلن و بن آلمان فدرال شاهد تظاهرات اعتراضی جمعی از ایرانیان صلح دوست و ترقی خواه مقیم این کشور بر علیه حمله موشکی به شهرهای ایران و عراق و ادامه جنگ بودند این تظاهرات به دعوت نیروها، صلح دوست ایرانی صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان قتل فوری، جنگ شهرها و اجراء قطعنامه ۵۹۸ شدند.

در روز جمعه ۲۱ اسفند (۱۱ مارس) در برابر سفارت جمهوری اسلامی در بن تظاهراتی بر علیه جنگ شهرها برپا شد. این تظاهرات به دعوت "نیروها، صلح دوست ایرانی مقیم آلمان فدرال" برگزار گردید. در تظاهرات بن، صدام تن شرکت جستند. فریادهای "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح و آزادی"، "موشک باران شهرها را قتل کنید" و "قطع صدور اسلحه به ایران و عراق" درضا تلخین افکن شده بود. پامیس آلمان فدرال در برابر این تظاهرات دست به ماقبح ترائی و کارکنی زد. از جمله افراد پلیس پس از مراجعه مسئولان سفارت، از برگزارکنندگان تظاهرات میخواستند شعار "مرگ بر خمینی" داده نشود. این نقض صریح آزادیها، سیاسی

تصریح شده در قوانین آلمان فدرال و همدستی با رژیم خمینی، خشم و نفرت شرکت کنندگان در تظاهرات را برانگیخت.

در روز چهارشنبه دوم مارس (۱۲ اسفند) نزدیک به صدتن از پناهندگان ایرانی مقیم شهر کوبورگ آلمان فدرال در اعتراض به فروش خمپاره از سوی کارخانه لاسکو که مقر آن در این شهر است - به جمهوری اسلامی و عراق دست به تظاهرات ایستاده و تشکیل زنجیر انسانی در برابر این کارخانه زدند. این تظاهرات در مطبوعات محلی کوبورگ بازتاب وسیعی یافت. بدنبال این تظاهرات، مسئولان کارخانه لاسکو تا روز قبل حاضر به گفتگو با خبرنگاران در مورد معاملات خود با جمهوری اسلامی نشده بودند، ناچار شدند خبرنگاران روزنامه هارادپور تلویزیون را در جلوه در کارخانه بپذیرند. آنها در این مصاحبه گفتند "ما تنها نوله به ایران می فروشیم و برای ما مهم نیست که چه استفاده ای از آنها می شود."

اتریش

کمیته دفاع از صلح و دموکراسی در ایران و عراق که هواداران نیروها، ترقی خواه و صلح دوست ایرانی و عراقی در اتریش در آن حضور دارند، برای اعتراض به ادامه جنگ و موشک باران شهرها تظاهرات ایستاده، درم کز شهر وین در روز ۱۸ اسفند (۸ مارس) سازمان دادند. این تظاهرات مورد استقبال مردم وین قرار گرفت و این نکته بخصوص جلب توجه می کرد که صلح دوستان ایرانی و عراقی در کنار هم، بر علیه رژیم جنایتکار در هر دو کشور دست به تظاهرات زده بودند.

سوئد

شهر اوبروی سوئد در روز شنبه ۱۵ اسفند (۵ مارس) شاهد گردهمایی دهها نفر از ایرانیان مقیم این شهر در میدان مرکزی، اوبروی بود. این تظاهرات ایستاده با خواست اجراء قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، خروج کشتی های نظامی شارچی از خلیج فارس و تحریم جهانی تسلیحاتی علیه رژیم های، ایران و عراق برگزار شد.

دانمارک

در روز چهارشنبه ۹ مارس (۱۹ اسفند) بیش از ۲۵۰ تن از ایرانیان و عراقی های مقیم دانمارک و نیز دانمارکی های، صلح دوست، به دعوت ایرانیان صلح دوست مقیم این کشور در یک تظاهرات ضد جنگ در کپنهاگ شرکت کردند. تظاهرات از میدان شهرداری، درم کز کپنهاگ آغاز شد و با راهپیمایی به سوی دفتر هواپیمایی عراق و سفارت جمهوری اسلامی ادامه یافت. تظاهرکنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی به سه زبان فارسی، عربی و دانمارکی شعارهایی بر علیه جنگ و برای خاتمه فوری جنگ شهرها می دادند. شعارهای، مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام، مرگ بر آمریکا، صلح - صلح آزادی، صلح - صلح - استقلال، زندانی سیاسی آزاد باید گردد در طول مسیر راهپیمایی شنیده می شد. در قطعنامه راهپیمایی، قطع فوری جنگ شهرها، اجراء قطعنامه ۵۹۸ و قطع صدور اسلحه به ایران و عراق خواسته شده است.



در پایان پیام خویش نوشته است، "با آرزوی موفقیت برای شما در سالگرد سازمانتان بنام حزب کمونیست ایتالیا به شادرودمی فرستیم."

کمونیست یونان - ایتالیا، هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در ایتالیا، فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا - بلونیا، انجمن ملی پارتنی اتماء، ایتالیا - بلونیا و ... شخصیت هایی چون "اوبکووتره" شهردار سابق رم و "وسکوویچ" شهردار وال پارائیزو شیلی نیز برای این مراسم پیام ارسال کرده بودند.

این مراسم با اجراء برنامه های هنری توسط گروه رقص لری و رقص یونانی و شمایش اسلاید به پایان رسید.

اسامی دیگر احزاب و سازمانهایی که بدین مناسبت پیام ارسال کرده اند عبارتست از، سندیکاهای عمومی ایتالیایی کار کمیته حزبسی حزب دمکراتیک خاق افغانستان - ایتالیا، حزب توده - ایتالیا، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - ایتالیا، حزب

جنگ در سال ۶۶: درماندگی در فاز بین‌المللی

تاکتیک‌های دشمن، ما به عدم‌الفتح‌های متعدد رسیدیم. (کیهان ۱۸ آبان) کربلاهای ۸ و ۹ فتح ۶ و نصر ۳ از جمله این "عدم‌الفتح‌ها" در سال ۶۶ بودند. هیچ‌یک ره به جایی نبردند و حتی آفتقدرفیض دامنه فدائیت که برای رژیم خوراک تبلیغاتی فراهم کند.

رژیم برای غلبه بر درماندگی خود - در حالی که فشار بین‌المللی بر ابعاد آن افزوده بود - به یک بسیج تازه رو آورد. در اواخر مهر ماه "شورای عالی پشتیبانی جنگ" به چهارم فامه شورش که برای تهیه گوشت دم‌توب و امکانات مالی وقت‌ی و نظامی لازم برای پیشبرد جنگ و به قول خودشان "عده وعده ضرور" برای تداوم بخشیدن به چنایکتاری‌های جنگی، به "اوامر و ارشادات" خمینی نیازمندند. خمینی در پاسخ فرمان داد که بسیج صورت گیرد، بدان "عمل شود و کوتاهی فکرتود". به دنبال فتوای خمینی، "شورای عالی پشتیبانی جنگ" یک "دستورالعمل (آماده‌ای)" صادر کرد. در این دستورالعمل گفته شد که همه باید به جبهه بروند و اگر کسی قادر به رفتن به جبهه نباشد، باید عهده‌دار مخارج یک نظامی باشد. بسیج جنگی تازه، بسیج ملت بود، امتزاج چماق با افلاس و سرکوب با فلاکت بود. این بسیج، مرحله دیگری از جنگ علیه مردم بود. در بعد خارجی هدف از اعلام بسیج تمام عیار، تلاش برای بالا بردن نرخ چانه‌زنی‌های رژیم بود.

پس از اعلام بسیج جنگی تازه، رژیم این‌گونه وانمود می‌کرد که هر آن آمادگی دارد، در جبهه مشرف به بصره دست به حمله تازه‌ای بزند. انتقار برای حمله تازه، در اواخر پاییز و در ماه‌های وستان بالا گرفت. اما "کربلاها" تکرار نشدند، نه از آثرو که رژیم نخواست، از آثرو که نتوانست. این همه نشان داد که درماندگی دیگر به یک کیفیت تبدیل شده است و باید حکم عزم‌متکاه هر تحلیلی در مورد روندهای تازه در زمینه جنگ را بیاورد.

عامل فشار بین‌المللی

بالا گرفتن تشنج در خلیج فارس، بر توجه مجامع بین‌المللی به جنگ ایران و عراق افزود. جنگ دیگر وارد فاز بین‌المللی شده بود و منطقه را ملتهب کرده بود.

عرصه راه‌به‌شدت بر رژیم تنگ کرد. جنگ از حالت "جنگ فراموش شده" بیرون درآمد. شورای امنیت، متحد‌الرای قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد و سازمان ملل تلاشهای جدی و موثری را برای اجرای این قطعنامه آغاز کرد. از سوی دیگر خلیج فارس و دریای عمان، به عرصه جولان رژیم‌های آمریکایی و متحدین



در اسارت ملوانان آمریکایی پس از حمله آنان به کشتی ایران اجبر

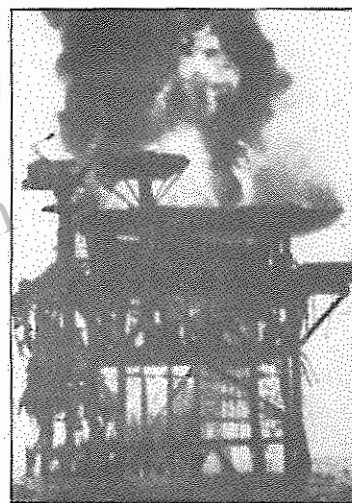
فناوبی آن تبدیل شد. فشار بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ دم‌افزون شد. رژیم کوشید دست به مانورهای بزند تا ائتلاف وقت، او دامغه و شدت این فشار بکاهد. این مانورها تاثیراتی داشتند اما در اساس ره به جایی نبردند. افزایش فشار بین‌المللی و تبدیل شدن آن به یک کیفیت، مشخصه دوم سال ۶۶ از زاویه سرنوشت جنگ است.

درماندگی رژیم

چندی پیش معاون سیاسی سپاه پاسداران، درماندگی رژیم در پیش‌برد جنگ را چنین توصیف کرد، "امروز دیگر زمان فتح‌المبین و فتح خرمشهر نیست که با گردآوری یک سری از نیروها، فتوحی بیافرینیم. بعد از فتح خرمشهر، با تعویض

مالی دیگر به‌سرآمد. دفتر یک سال بسته شد، دفتر، که جنگ بر صفحه آن، مهر خود را کوبیده است. در روزهای پایانی سال، باز عفریت جنگ تغییر برکشید و شهرها آماج مرگ و ویرانی قرار گرفت. روزهای آخر سال، شاهد هشتمین دور جنگ شهرها بود. طرفین ۱۲۵ موشک شلیک کردند. سه‌هیت راه به اوچ رساندند و در پایان باؤ وعده کشتارهای تازه‌ای دادند. سال ۶۵ فیض تقریبا به همین‌گونه پایان یافت. آیا هر سال، روی چرخه ثابتی حرکت می‌کند؟ آیا سال ۶۶ همان‌گونه بود که سال ۶۵؟

ماشینی رفخجاشی در اولین نماز جمعه سال ۶۶، تازه را طبق معمول، "سال پیروزی"، نام نهاد و اعلام



حمله آمریکا به سکوی نفتی ایران

کرد، "روند جنگ امسال تعیین می‌شود. امسال آن چنان سپاهی به میدان خواهد آمد که سمرات پیروزی‌های سال گذشته را بگیرد و سرفوشت جنگ را بهره‌برداری کند." خمینی خود در آغاز سال گفته بود "جنگ ممکن نیست پایان پذیرد."

دو مشخصه عمده سال ۶۶

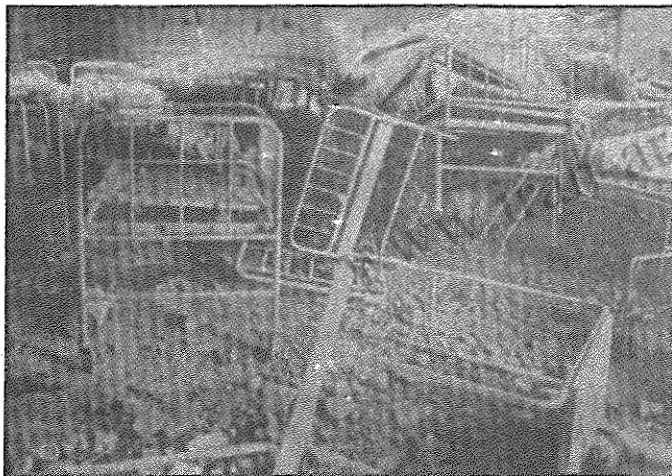
مهمترین آرزوی رژیم در سال ۶۶ این بود که بتواند کربلاهای سال ۶۵ را تکرار کند. کربلاهای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی که در آن گفته شده بود "همه برکنند جبهه‌ها را" بر مبنای بسیج حداکثر نیرو به صورت راه‌اندازی لشکرهای "محمد و مهدی" صورت گرفت. این حملات حساس‌ترین نقطه جبهه را نشان داده بودند - نقطه‌ای که مشرف به بصره است. طراحی عملیات کربلا در زمانی

یک شاخص در نظر گرفت و دوره پس از آن راه، که در سال ۶۶ انکشاف یافت، دوره پس از کربلاها نام نهاد. رژیم در سال ۶۶ هر چه تلاش کرد نتوانست شرایط بهینه دوره کربلاها را از نو فراهم کند. بیشترین بسیج نیرو به جایی نبرد، رکورد کربلاهای ۵ و ۶ دور از دسترس ماندند و وعده فتح کربلا پیش از هر هنگام دیگری حکم یک سراب را یافت. وقتی که حد موفقیت دیروزین، حد موفقیت امروزین نیز باشد، می‌توان از درجا زدن سخن گفت. اما وقتی واقعیت دیروز، به آرزوی امروز بدل شده، دیگر آنچه که واقعیت دارد درماندگی است. درماندگی یک مشخصه اساسی استراتژی جنگی رژیم در سال ۶۶ بود.

از آغاز تابستان، جنگ وارد فاز بین‌المللی شد. فشار بین‌المللی - که همه مولفه‌های آن از یک ماهیت دارای یک جهت نبودند و نیستند -

فضا پراکنده است و فلوژ ماشینی جنگی را می‌شورد و ژنک زده می‌کند.

در سال ۶۶ در ماندگی به "کیفیت" بدل شد. درماندگی اکنون جنبه عمده‌ای از همان واقعیتی را تشکیل می‌دهد که یک وجه اساسی آن جنگ طلبی رژیم است. در سال ۶۶، هم درماندگی نمود کیفی یافت و هم فشار بین‌المللی. این دو عامل مکمل هم، تشدید کننده و در عین حال مشروط کننده حیطه اثرگذاری هم، به سال ۶۶ کیفیت متماثر اوسالهای پیش می‌دهد و بدان جایگاه ویژه‌ای در تاریخچه شکستبار جنگ می‌بخشد. سران رژیم اکنون به خود می‌گویند، درین اژ این‌نینی در سال تاژه او این‌نینی درمانده‌تر خواهند شد. سال ۶۷ است که به سال ۶۶ خودویژگی دادند. سال ۶۷ اژ سال به سر آمده‌ش و ویژه‌تر خواهد بود.



دو صفحه اژ دور هشتم جنگ شهرها در هفته‌های پایانی سال ۶۶. در این دور اژ جنگ شهرها جمیعی و صدام حسین اوج تاژه‌ای اژ سباحت را به‌نمایش نهادند. عکس بالا بیمارستان ویران شده عیون، زاده در تیران است.



سرکشتگی رژیم بود.

جایگاه سال ۶۶ در تاریخچه شکست بار جنگ

در سال ۶۶ فلاکت اقتصادی جمهوری اسلامی ابعادی به مراتب فراتر اژ سالهای پیش یافت. افت قیمت نفت، افت قیمت دلار، جنگ نفت‌کشها، حملات مداوم عراق به پایانه‌های نفتی، و بحر ان در خلیج که در صدور نفت مشکل ایجاد کرده بود، برداشته فلاکت اقتصادی افزون‌تر شد تلاش برای بر کردن چپه‌ها شیز کم‌تر بود. نفرت مردم اژ جنگ، تبلیغات جنگ طلبانه را بی‌بها می‌ساخت. تیتراهای خبری روزنامه‌ها را نمود پدیده‌ها بدافیم، این عامل به چشم نمی‌آمد اما اگر اوسطح به عتق رویم شاهد تاثیر بردامخه این عامل خواهیم بود. این عامل همچون رطوبتی است که در

جنگ افروزانه زد و عملا یکی اژ بعدها می‌قطعنامه را زیر پا نهاد.

فاز بین‌المللی در ماندگی

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به شاخص فشار بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ بدل شد. رژیم در برابر این قطعنامه سرکیچه گرفت. در روزهای اول هر یک اژ مقامات به یک نوع در برابر آن موضع‌گیری کردند. بالاخره موضع‌گیری‌ها هماهنگ شد ربر روی این فرمول توافق به عمل آمد، "نه می‌پذیریم و نه رد می‌کنیم". البته در داخل و در تبلیغات جنگی "می‌پذیریم" پررنگ‌تر بود و در مجامع بین‌المللی "رد می‌کنیم" اما بالاخره چه؟ سفرهای خاویر پرژدوکویار به تیران و بغداد نتیجه مشخصی به‌دشبال فداشت. بی‌گرفتن مذاکرات در مقر سازمان ملل شیز به نتیجه روشنی منجر نشد. تاکتیک رژیم وقت کشی بود. طرح مقامات حکومتی در برابر قطعنامه ۵۹۸ حاوی، این خطوط بود، اصرار بر روی "تعیین متجاوژ" به عنوان کام فحشیت و همراه با آن الحاق طلبی و فرامت خوامی. اما رژیم اژ طرح این خطوط فراتر نرفت. همواره کوشید کاری کند که مذاکرات پیش فرود و وقت کشی شود. گاه رژیم حتی تا این حد پیش رفت - اژ جمله در هفته گذشته - که بگوید قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرد اما روی تقدم و تاخر بندهای آن حرف دارد.

در سال ۶۶ فشار بین‌المللی و درماندگی رژیم در پیشبرد جنگ، با یکدیگر امتزاج یافتند. درماندگی حد تاثیر فشار بین‌المللی را بالا برد و فشار بین‌المللی بر دامنه درماندگی رژیم افزون‌تر شد. سال ۶۶، سال درماندگی در فاز بین‌المللی، و فاز بین‌المللی

دولت ریگان برای این که ماجرای "ایران گیت" به دست فراموشی سپرده شود، برای این که بتواند اعتماد کشورهای عربی خلیج را، که ماجرای سفر مک‌فارلین بدان خدشه وارد کرده بود، اژ شوچلب کند، به مداخله مستقیم در خلیج فارس رو آورد. جنگ نفت کشها و تقاضای کمک اژ سوی کویت، بهانه این مداخله بود. بر فراژ کشتی‌های کویتی برچم فنوار و ستاره به اهتزاز درآمد برای اسکورت آنها تعداد کثیری کشتی جنگی به منطقه گسیل شدند. مطلقه حالت اشغالی یافت و در آن بارها آژیر قرمز به صدا درآمد. آمریکا در چندین مورد اژ جمهوری اسلامی زهر چشم گرفت و جمهوری اسلامی با تشجیح فزونی به سیاست آمریکا مبنی بر موجه جلوه دادن حضور نظامی وسیع خود در منطقه خدمت کرد.

درگیری رژیم با کویت و عربستان سعودی، شیز بالا گرفت. اتحادیه عرب در اجلاسهای متعدد فشار بر جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به جنگ شدت بخشید. هر روژ که کلاشت بر اژ وای بین‌المللی رژیم افزوده شد.

از اوایل سال، شورای امنیت سازمان ملل، بررسی جنگ ایران و عراق را در دستور کار خود قرار داد. هر چه بر بعد مطلقه‌ای و بین‌المللی جنگ افزوده شد، کوشش برای پایان دادن به جنگ شیز فزونی گرفت. روندی آغاز شد که بالاخره منجر به صدور قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت گردید. در این قطعنامه که در اجلاس ۲۹ تیرماه شورای امنیت به اتفاق آرا به تصویب رسید اژ ایران و عراق خواسته شد که فوراً به عملیات جنگی خاتمه دهند، تبادل آتش را متوقف کنند و نیروهای مسلح خود را به پشت مرزهای بین‌المللی بازگردانند. در این قطعنامه به دبیرکل سازمان ملل متحد، ماموریت داده شد که ضمن مذاکره با ایران و عراق، به بررسی امکانات جهت بر کماری یک مرجع مستقل برای رسیدگی به امر مسئولیت آغاز جنگ پرداخته و شورای امنیت را در جریان فعالیت‌های خود در ژومینه مذاکره با طرفین درگیر، بگله‌ارد.

قطعنامه ۵۹۸ از همه کشورهای خواسته بود اژ هر کوفه اقدامی که به گسترش و شدت گرفتن جنگ بیانجامد، اجتناب ورزند. آمریکا که به این قطعنامه رای مثبت داده بود، بلافاصله پس اژ صدور آن، رژیم‌های جنگی خود را به منطقه فرستاد، دست به تحرکات

دروغ بر زندانیان سیاسی، حماسه آفرینان اسارتگاههای ارتجاع

واژه زندانی سیاسی در میان مردم ماطفین ومعنای ویژه‌ای دارد، زندانی سیاسی تجلی رژیم است، امید به آینده است، مظهر انقلاب و خیزش توده‌هاست، بایبدری و ایثار زندانی سیاسی، صلابت توده‌ها را مبین است.

برای مبارز راه‌هایی خلق، زندانی سیاسی مفهوم وارزشی بسیار فراتر از پاره به گروگان و اسارت گرفته شده پیکرش را دارد. خود را در آئینه وجود او باز می‌یابد و عینیت آرمان و خصائل خود را در رژیم و رژیم زندانی سیاسی جلوه‌گر می‌بیند. مبارزی که ممکن است همین فردا میدان مبارزه‌اش را تحت شکنجه‌گاه و ساول زندان بیابد، یگانگی ژرفی با هم‌روزم زندانی خویش احساس می‌کند.

بر همین اساس دشمن نیز تلقی دیگری از زندانیان سیاسی دارد. دشمن انقلابی سیر راه به بند می‌کند، به جوخه اعدام می‌بازد، پیکرش را آماج ددمشاهده‌ترین شکنجه‌ها می‌سازد، تا شعله رژیم و امید به پیروزی را خاموش سازد، پایداری را منکوب کند و موم ایجاد نظم گورستانی خویش را در پهنه جامعه تحقق بخشد.

بدین سان با ژرفنگری مبارزه در یکی از سخت‌ترین میدان‌ها، مبارزه‌ای چهره در چهره بادشمنی تیغ برکف و کف بر لب، مبارزه‌ای که انقلابی سیر و جمع زندانیان سیاسی ایجاد هر تعادل جدیدی به سود زندانیان ربا تحمل قربانی و شکنجه بدست می‌آورند، خود به نوعی با ژرفنگری رژیم خلق و نویند پیروزی آن است.

در آستانه سال نو به رژیم فرزند خلق در زندان‌ها طی یک سال گذشته نظری می‌افکنیم، رژیمی که در حصار دیوارهای پوشیده از خون دل‌سپسته و تغییر شلاق و شلیک گلوله و فریاد کرکننده شکنجه‌گران جاری است.

اردیبهشت ماه، اوین و گوردهشت

زندانیان سیاسی زندان گوردهشت بخاطر اعتراض به نحوه رفتار شکنجه‌گران بطور جمعی او رفتن به حیاط زندان برای سرشماری خودداری کردند. مامورین رژیم که برای کشاندن زندانیان به درون حیاط به ضرب و چرخ زندانیان پرداخته بودند در مقابل حرکت یکپارچه زندانیان سیاسی به نیروهای کمکی متوسل شده و در قبال زندانیان از هیچ

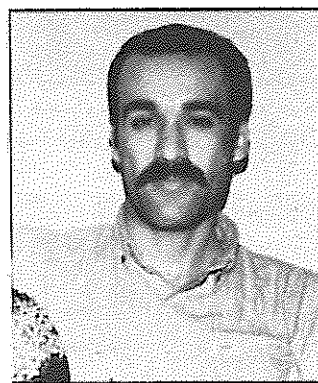
جغاییتی فروگذار نکردند. پیش از این واقعه در زندان گوردهشت، عده زیادی از زندانیان شکنجه‌گاه اوین را به بهانه شیوع بیماری، شبه سل که خبر آن همه جا پخش شده بود و بخاطر بروز اعتراضاتی در میان زندانیان به زندان گوردهشت منتقل ساخته بودند. در همان زمان در نشریه اکثریت قید شده بود:

"مقاومت جمعی زندانیان سیاسی پس از اعتصاب غذای دلیرانه

مروری بر

رزم پرشکوه زندانیان سیاسی در سال گذشته

زندانیان اوین در هر ماه سال گذشته مدام اشکال بارزتری یافته است. مقاومت اکنون تنها در شکل پایداری قهرمانانه در برابر شکنجه تجلی نمی‌یابد. مقاومت به سطح جمعی فراورثید و همبستگی زندانیان سیاسی در پایداری جمعی در برابر شکنجه‌گران مدام در حال رشد و اعتلاست. خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز با یکدیگر همبسته گردیده‌اند. هم‌زمان با بورش مؤدوران رژیم به زندانیان گوردهشت خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان دست به تحصن زدند. تحصن خانواده‌ها مورد حمله پاسداران قرار گرفت.



هدایی شهید رفیق محمود وکی‌پور
اوساومان‌نگران اصلی حرکات جمعی
زندانیان سیاسی

حرکت اعتراضی نیز رومند زندانیان شکنجه‌گاه اوین که هم‌زمان با اعتراضات زندانیان گوردهشت صورت یافت. بخاطر نحوه توزیع غذا

شکل گرفت. مسئولین شکنجه‌گاه اوین با آقا زماه رمضان (ششم اردیبهشت) برای واداشتن همه زندانیان به روزه گرفتن و اعمال فشار بر آنها، ضحوه تحویل غذا به زندانیان را تغییر دادند. بدین ترتیب که در شبانه‌روزیها یک فوبت غذا به زندانیان داده شد. مسئولین زندان بر این تصور بودند که زندانیان به روزه گرفتن اجباری تن خواهند داد. به دنبال آغاز اعتصاب، زندانیان

بخاطر هراس از انتشار خبر آن ملاقات زندانیان را با خانواده‌هایشان قطع کردند. اما هیچکدام از ترفندهای رژیم همچون قتل ملاقات، اشتغال به سلول‌های انفرادی و زندان‌های دیگر و اعمال انواع شکنجه‌های جسمی و روانی فترانست بر اراده زندانیان هائقی آید. زندانیان مجبور به عقب نشینی شدند.

نشر و هر روز اعتصاب و حرکات سیاسی

حرکت، عظیم زندانیان سیاسی در سال گذشته در تیرماه آغاز گشت. بقیه‌های (۲، ۲) زندان اوین از روز ۲۰ تیر دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذا به دنبال نقل و انتقال زندانیان سیاسی صورت پذیرفت. ۴ نفر از زندانیان را به بقیه‌های انفرادی انتقال دادند. خطر اعدام این ۴۰ نفر بطور جدی برای زندانیان مطرح شد. خواسته‌های زندانیان را بازرگاندان زندانیان به جای قبلی خود، کاهش کلی تعداد زندانیان هر بند و بهبود شرایط زیستی و درمانی تشکیل می‌داد. از روز ۲۵ تیر اعتصاب غذای دلورانه زندانیان سیاسی زندان اوین به اعتصاب غذای خشک تبدیل شد. در اعتصاب غذای خشک زندانیان اعتصابی از نوشیدن آب نیز خودداری می‌کنند. زندانیان قهرمان اعتصابی در آستانه مرگ قرار گرفتند. در زندان گوردهشت نیز انواع شکنجه‌های جسمی و روانی ایجاد شده توسط مسئولین جغایتکار جمهوری، اسلامی، باعث خودسوزی یک زندانی سیاسی شد به دنبال آن اعتراضات شدید، توسط زندانیان انجام گرفت.

تلاش مامورین برای سرکوب اعتراض زندانیان و محدودتر ساختن آنان به درگیری شدیدی بین زندانیان و پاسداران انجامید.

بلافاصله پس از وقوع اعتصاب غذا و اعتراض در زندان‌های اوین و گوردهشت، سازمان ما جبر آن را در سراسر جهان منتشر ساخت. این امر واکنش شعری و شیری وای مرفقی ایرانی و بخارجی را در قبال جغایتکاری‌های رژیم فقها در زندان‌ها برانگیخت. به دعوت فدائیان خلق اقدامات متعدد افشاگرانه که در بسیاری از کشورها با اعتصاب غذا همراه بود، صورت پذیرفت. لندن، استکهلم، کلن، وین ودها شهر دیگر جهان شاهد اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان اعتصابی زندان اوین بود. در شهر کلن آلمان قدرال، اعتصاب غذا کنندگان اتمام حرکت خود را مخطوبه پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین کردند. تعداد پیام‌های همبستگی احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌هایی که با زندانیان سیاسی ایران و اعتصاب غذای آنان اعلام همبستگی کردند از هزار فرسوشی گرفت.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در بقیه‌های (۱، ۲، ۲) زندان اوین در آغاز هفته دوم مردادماه پایان یافت اکثر زندانیانی که از بقیه‌های خود رپسوده شده بودند به محل سابق خود برگردانده شدند.

حرکات اعتراضی بزرگ زندانیان سیاسی در تیر و مرداد اختصاص به شکنجه‌گاه‌های اصلی رژیم، اوین و گوردهشت و قوئل حصار نداشت. زندان‌های شهرستان‌ها نیز شاهد رژیم فرزند خلق بود. در زندان رودس ملاقات زندانیان با خانواده‌شان به مدت یک ماه قطع شد تا شرایط برای سرکوب در تاریکی مهیا گردد.

* هنوز چند روزی از پایان اعتصاب بزرگ زندانیان شکنجه‌گاه اوین نگذشته بود که اسیران بقیه‌های زندان دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذا از روز ۱۷ مرداد آغاز شد. در روز ۱۹ مرداد اجتماع خانواده‌های زندانیان زندان گوردهشت مورد هجوم پاسداران واقع شد و گروهی از آنان دستگیر شدند. به هنگام اعلام پایان پیروزمند اعتصاب غذای بزرگ زندان اوین مادر اکثریت شماره ۱۶۸ اعلام خطر کردیم که "خطر اعدام و شکنجه‌های

سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم

لبعا در مهمترین عرصه، عرصه جنگ، اعتراف به درماندگی، بازتاب بسیار اندکی در اظهارات رسمی و علنی مقامات رژیم دارد. امامتورن سیاسی سپاه پاسداران، دریک سخنرانی که در کیهان ۱۸ آبانماه چاپ شد، با صراحت بیسابقه‌ای اعتراف کرد: "بعد از فتح خرمشهر با تعریض تاکتیک دشمن ما به عدم الفتح متعدد رسیدیم." بن بست جنگ، موضوع مقاله جداگانه‌ای در همین شماره نشریه است، اما در بررسی بحران قدرت در رژیم نیز باید به این درمافدگی که ویرانگرترین تاثیر را بر پایه‌های کاخ خلافت چماران، چه به صورت تاثیر مستقیم سیاسی و چه از طریق تشدید فلاکت اقتصادی، گذاشته است، جای ویژه‌ای داد.

بن بست قانون گذاری

بر زمینه‌ای ازمین درمافدگی است که ورشکستگی در عرصه‌های دیگر، عمل می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی، با گذشت ۹ سال از پیدایش و پیش از ۷ سال از تثبیت و تحکیم همه نهادهای حقوقی و قانونی‌اش، در شرایط مصیبت‌ها و فشارهای روز افزونی که زندگی روزمره مردم را در چغره خود گرفته است، در شرایط نارضایتی و مخالفت روزمره توده‌ها، هنوز نتوانسته است نظام کاملی اؤتدابیر و سیاست کزاری‌های اقتصادی تدوین کرده، به مرحله اجرا بگذارد. اصطکاک و تقابل مناقیه، رقابت برس قدرت میان گروه‌بندی‌های کوفناگونی که در طول سالها، در درون حکومت شکل گرفته و صف آرای شده‌اند، تاکنون بیش از آن بوده‌اند که اجازه حرکت موثر کل نظام به پیش را بدهند. قانون گذاری در جمهوری اسلامی، دچار توقف و رکود مطلق بوده است. رفسنجانی، رئیس مجلس آخوفدی و سرکرده جفاحی که معتقد به حل این بحران و شکستی این بن بست به سود افزایش اختیارات دولت در عرصه اقتصادی است، در دیدار روز ۱۴ خرداد مقامات رژیم با خمینی گفت: " ما نیاز به دخالت و کمک صریح چجابعالی داریم... در شرایطی که ما داریم، قیر از شخص چجابعالی بقیه در صفحه ۱۲

مادر شماره ۱۴۹ نشریه، آخرین شماره "اکثریت" در سال ۱۳۶۵، نوشتیم بحران رژیم در سال ۱۳۶۶، "با شدت بیشتری چماران را به لرزه در خواهد آورد و رژیم را... زبونتر و ناتوان تر خواهد ساخت."

اکنون در آستانه پایان سال ۱۳۶۶ قرار گرفته‌ایم. بحران قدرت در رژیم، این سال را به سال زمین لرزه در بارگاه خلافت خمینی تبدیل کرد. عوامل تشدید کفنده بحران، از جمله، بن بست جنگ، فلاکت اقتصادی، فزون گرفتن نفرت و افشاجار مردم اؤ حکومت فقها و ائتواری روز افزون بین المللی، هر چه بیشتر به اختلافات درون حکومتی دامن زدند. هر چه مشکلات بیشتری بن بست‌ها بارزتر شدند، شدت درگیری‌ها افزایش یافت و ورشکستگی و در کل ماندگی کل نظام، بیشتر نمایان شد. خامنه‌ای، رئیس جمهور خمینی را قطعاً باید از بازندگان یکی از مهمترین دوره‌های جنگ قدرت در رژیم داشت که در ماه‌های دی و بهمن سال ۶۶ به وقوع پیوست. خمینی با سرزنش صریح او، لطمه‌ای جدی به چاه‌طلبی شخصی رئیس جمهور آخوندها زد، و بس از توبه و اظهار ندامت خامنه‌ای به اورفرمان داد که در نماز جمعه، "رفه شبهه کفند." خامنه‌ای در نماز جمعه اسفند، در اجرای این دستور سخفانی ایراد کرد که نمایانگر جوهر تحولاتی است که به فتواهای اخیر خلیفه چماران و تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" انجامید. خامنه‌ای گفت: "حضرت امام... یک مجموعه کامل ۱۲ نفره را تشکیل دادند که... در هر چایی که مصلحت نظام را تشخیص داد، حکم ولایتی را در آنجا صادر کنند... ما امیدواریم انشاءالله این مجمع مصلحتی بتواند بن بست‌ها را بشکند... در سایه باؤ شدن این بن بست‌ها بسیاری از مشکلاتی که از این فاحیه ممکن است حاصل شده باشد، برطرف شود و این مجمع تشخیص مصلحت یک مرحله جدیدی است در حرکت‌های جمهوری اسلامی." (رسالت ۸ اسفند ۶۶)

آری، حتی در نطق رئیس جمهور رژیم نیز سخن از بن بست است. این بن بست، در همه عرصه‌ها رخ می‌نماید.

تظاهرات قیرمانانه خاشواده‌های زندانیان سیاسی و شعارهای آنان بازتاب نیرومندی در میان مردم یافت.

ششصد پاسدار به اجتماع خاشواده‌های زندانیان سیاسی یورش بردند. بسیج و اعزام چغین لشکری از مزدوران، ایجاد حرکت اعتراضی خاشواده‌های زندانیان سیاسی و هراس رژیم از این اقدام انقلابی را بازتاب می‌دهد. جمعی از نظامرکنندگان زخمی و بیش از ۵۰ نفر آشه‌دستگیر شدند.

در تمام طول سال گذشته خاشواده‌های انقلابیون اسیر برای حمایت از فرزندان زندانی خویش بارها به حرکتی همچون مراجعه جمعی و برنشود به مقامات و مسئولین رژیم، اجتماع در مقابل دفتر صلیب سرخ بین المللی، دفتر سازمان ملل، مجلس شورای اسلامی و در جلورژندان‌ها مهادرت ورزیدند.

در روز ۲۷ آبان بار دیگر دلوران اسیر در شکنجه‌گاه اوین دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب

افتقاری، زندانیان سیاسی را به شدت تهدید می‌کند. متاسفانه اخبار بعدی وقوع این خطر را کواهی دادند. رفیق محمود زکی پور اؤ سازمانگران اصلی حرکات اعتراضی زندانیان سیاسی تیرباران گشت. این بخش از زندگینامه رفیق زکی پور مغدرچ در اکثریت شماره ۱۸۰ جزئی از تاریخ مبارزات زندانیان سیاسی است.

"در اعتصاب غذای بزرگ آبانماه ۶۵ رفیق زکی پور نخستین کسی بود که پس از انتقال به سلول اشقرادی اعلام اعتصاب غذا کرد و آخرین کسی بود که اعتصاب غذایش در بیمارستان با سرم پایان گرفت. در این زمان ۱۴ کیلو از وزن بدنش را اؤ دست داده بود. مامورین دادستانی در همان بیمارستان رفیق محمود را تحت جوبی قرار دادند و تهدید کردند که اورا خواهند کشت. رفیق پاشخ خود را در ژندان باراهی که در پیش گرفته بود داد. رفیق محمود زکی پور در اعتصابات بعدی و از جمله در اعتصاب غذای تابستان اسامال همچنان نقش سازمانگر خود را ایفا کرد."



زندانی سیاسی از بند رژیم شاه را می‌گردد. دیه نیست که زندانیان سیاسی حکومت خمینی نیز در آغوش خاشواده و مردم قرار گیرند. جمهوری اسلامی را از سرشوت نظام سلامت کربزی نیست.

تظاهرات بزرگ خاشواده‌های زندانیان سیاسی در تهران

روز پنجشنبه ۱۶ شهریور، در آستانه سفر دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران جمع کثیری از خاشواده زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران اجتماع کرده دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بخاطر افشای جنایات رژیم در زندان‌های کشور، تقویت مبارزه برای حفظ جان زندانیان سیاسی، بهبود شرایط زیستی و رهایی آنان از بند صورت پذیرفت. خبر

غذا به مدت ۵ روز ادامه داشت و بخاطر اعتراض به شرایط بقایات ناهنجار زیستی و تامین پوشاک زمستانی برای مقابله با سرمای اوین به وقوع پیوست.

ماه‌های دی و بهمن سال ۶۶ نیز شاهد حرکات جمعی زندانیان سیاسی در ژندان‌های اوین و کورهدشت بوده‌است.

در آستانه سال شو با یاران دربندمان تجدید پیمان کنیم، آتشی از روم خلق را که در سیاهچال‌ها زبانه می‌کشد، پاس داریم و با تشدید نبرد علیه دشمن توده‌ها، آن را فروزش بخشیم.

معرفی کاندیدا برای تهران اقدام کند و جمعیت های مشابه در شهرستانها، با این جامعه برای معرفی نامزدها "مشورت" کنند مهدوی کئی سپس اعلام کرد ائتلافی با گروههای رقیب که زیر پوشش "دفتر تحکیم وحدت" عمل می کنند، در کار نخواهد بود.

وصیای نامه خمینی

بدون تردید، ماجرای "وصیت نامه سیاسی - الهی" خمینی که در روز ۱۹ آذرماه مبروم شده تحویل سرکردگان حکومت داده شد، در رابطه با تشدید بحران رژیم قابل بررسی است. رهنمایی چندی پس از تعویض وصیتنامه خمینی، تاکید کرد مسئله جانشینی بخلیفه چهارم موضوع این تعویض نیست و تعیین جانشین برعهده مجلس خبرگان است. وی افزود تغییر شرایط کشور باعث شده است خمینی "فصایح" و "وصایای" خود را عوض کند. ظواهر امر نیز نشان می دهد منتظری همچنان جانشین رسمی خمینی است. رسانه های رژیم از این آخوند ابله همچنان با عنوان ولیعهد نام می بردند. اما وصایای جدید خمینی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت " نمی تواند مطلقاً مفید و بدون ارتباط با مسئله جانشینی خمینی باشد. آینده "مجمع تشخیص مصلحت" چیست و رابطه آن با "ولی" بعدی چه خواهد بود؟ آیا منتظری روی دست خمینی و سایرین مانده است و می خواهند تنها نقشی مانند "پادشاه مشروطه" به او محول کنند، یا از آغاز چنین نقشه ای داشته اند؟ آنچه مسلم است، این است که موقعیت منتظری به عنوان یک طرف رقابت درون رژیم، با محاکمه و اعدام مهدی هاشمی به شدت تضعیف شد. سخن رهنمایی خطاب به خمینی بسیار بر معنی است، "غیر از شخص جناب عالی هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... مانی دانیتم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام دهد."

* * *

تابلویی که مجموعه این رویدادها و روشدها از بحران رژیم بدست می دهد، حاکی از آن است که آینده موجودیت این رژیم نیز با وجود تداوم تشدید این بحران رقم خواهد خورد. شه تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" و نه هیچ اقدام دیگری در تحلیل نهایی قادر به حل این بحران، که ذاتی حکومت فقهیات، نخواهد بود. سال ۶۶ با هر چستی بی سابقه ای، این واقعیت را نشان داد.

کوچکی است که سالی یک بار به دور یک خورشید از میلیونها خورشید جهان می چرخد، پاسخ شگفتی و سوزنازدن بود. هیتلر، خود را مصلحی ژرمن ها، "قوم برتر" می دانست و تروچیه لشکرکشی هایش، هم همین بود. خمینی هم حکومت خود را بر تری ولایت فقیه استوار کرده است. آیا اعلام ورشکستگی - هر چند مکتوم - این تری ضربه ای چیران ناپذیر بر پایه های این حکومت نیست؟ پاسخ به این پرسش، به ویژه زمانی اهمیت می یابد که در نظر آوریم، در سالهای آینده خمینی بی شک دچار "مشکلات" بسیار بزرگتری از جانب بزرگترین دشمنان حکومتش، مردم، خواهد بود.

انتخابات مجلس

به آینده ای نزدیک تر بنگریم. در روز ۱۹ فروردین، مرحله نخست سومین دوره انتخابات مجلس آخوندی برگزار خواهد شد. تمام طول سال ۶۶، سال تشدید رقابتها برای تسخیر این "خاکریز" مهم در نظام حکومتی جمهوری اسلامی بود. سال ۶۶ سال تحمل ضربات سنگینی در این عرصه آو سوی جناح "رسانتی" بود. ناطق نوری، وزیر کشور سابق و از سردمداران این جناح، به قول یکی از نمایندگان مجلس آخوندی، "مهره چینی" منضلی در فرمانداریها و استانداریها و شهرداریها کرده بود، محتشمی، وزیر کشور فعلی و وابسته به جناح رقیب، دست به تصفیه وسیعی زد و گفت، "هر کسی که مخالف دولت باشد، ما بدون رودربایستی کفارش می گذاریم." (رسالت ۲۱ خرداد) متقابلاً شورای نگهبان به تکیه گاه عمده رسانتیها در جریان نظارت بر انتخابات تبدیل شده است.

تحول مهم دیگری که در سال ۶۶ به وقوع پیوست، مرگ حزب جمهوری اسلامی بود. در روز ۱۲ خرداد، نامه خامنه ای و رهنمایی به خمینی مبنی بر تقاضای "تطیل" حزب و پاسخ خمینی دایر بر موافقت با این تقاضا، انتشار یافت. حزب جمهوری اسلامی هم به سرقوت "ساویمان مجاهدین انقلاب اسلامی" دچار شد. انحلال این حزب، قیل از هر چیز به ضرر جناح "فقه سنتی" تمام شد که مواضع کلیدی را در این حزب در اختیار داشت و به خصوص در انتخابات مجلس، او این اهرم نیرومند بهره می گرفت. پس او انحلال حزب جمهوری اسلامی، خمینی در مذاکره خصوصی به مهدوی کئی اجازه داد "جامعه روحانیت مهابرت تهران" به

ورشکستگی فقه

ورشکستگی ولایت فقیه است

یکی از تضادهای درونی اصلی رژیم خمینی، تضاد میان ماهیت قرون وسطایی تری ولایت فقیه از یک سو و سوی دیگر ضروریات رهبری یک جامعه بحران زده سرمایه داری است. طرح اولیه حکومت اسلامی که توسط خمینی در کتاب "ولایت فقیه" ارائه شده است، می گوید فقه اسلامی، نظام حقوقی کاملی است که به همه مسائل جامعه پاسخ می دهد، نیازی به قانون گذاری نیست و حاکم تنها مجری، قوانین فقهی است، پس باید خود فقیه باشد.

فتوهای اخیر خمینی و گره زدن سرنوشت نظام به "مصلحتی" که تشخیص دهنده آن، نه قدرتی آسمانی، بلکه آخوندهایی کاملاً زمینی اند، اعلام ورشکستگی تری ولایت فقیه است. این بار خمینی برای کشودن بن بست، ناچار شده است تلویحاً این تری را به کفار بگذارد، یا به عبارت دقیق تر، "ولایت فقه" را قربانی "ولایت فقیه" کند، در حالی که تاپیش از این فلسفه وجودی دومی، با اولی توضیح داده می شد.

این تحول کیفی که مختص سالی است که گذشت، نمی تواند به پیدایش و رشد تضادهای جدید در رژیم بنیانجامد. به گفته خامنه ای، سران رژیم امیدوارند با تدبیر جدید "بن بستها بشکند". اما آیا شکستن این بن بستها به بهای پدید آمده نطفه های بحرانی که از بحران معلول این بن بستها هم شدیدتر خواهد بود، تمام نخواهد شد؟ هیچ کس، حتی خود خمینی هم قادر نیست پاسخ منطقی به این پرسش را تضمین کند. مهمترین پرسش بحران زما این است، اگر "شرع" مقدس به این حد بی ارغوش است که فدای هر مصلحتی می شود، کدام ضرورت و کدام الزام حکم می کند زمام امور را همچنان "فقه" در چنگال خود محکم نگه دارد؟ درست است که رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند همه رژیم های استبدادی، قبل از هر چیز به سرنیزه متکی است، اما هر دیکتاتوری - و به ویژه استبداد آخوندها - به غیر از سرنیزه، از حربه "ایدئولوژی" نیز برای پابرجا نگه داشتن خود بهره می گیرد. کلیسای کاتولیک در قرون وسطی، چیره بودن خود بر چنان اعمال همگان را از رسالت الهی "جانشینان مسیح و از اینک "رم مرکز جهان است" استنتاج می کرد. حتی اگر کسی پیدامی شد و می گفت این رم شما، خودنقله ای بر روی کره

سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم

بقیه از صفحه ۱۱

هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... اگر جناب عالی... مشکلات قاشون گذاری... حل نفرمایید، ما نمی دانیم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام بدهد." (رادیوی رژیم - ۱۴ خرداد ۶۶)

خمینی که در آن زمان این استغاثه رهنمایی را با جمله "من بهماندم که امروز صحبت کنم" پاسخ داده بود، هفت ماه بعد، صریحاً جانب طرفداران افزایش اختیارات دولت را گرفت، نفوهر "حکم اولیه" اسلامی را در چارچوب اختیارات حکومت دانست و مجمعی در بالای سرمه ارگانها تشکیل داد که عملاً مطلق العنان است و تنها حرف خود خلیفه قادر است حکم آن را لغا کند.

در این فاصله چه چیز تغییر کرد؟ تجربه سالهای پس از انقلاب، نشان می دهد در تحولات درون رژیم، خمینی مدافعه و برقرارکننده آن تعادلی بوده و هست که تداوم حیات حکومت را - لافل از نظر خود او - تضمین می کند. هر تعادلی در هر لحظه ای چغین نیست، همانگونه که یک تعادل معین، برای همیشه تعادل تثبیت کننده رژیم باقی نمی ماند. خمینی، این واقعیت را درک و طبق آن عمل کرده است. هم او بود که در اواخر سال ۶۲، حکم داد که حرف، حرف شورای نگهبان است و مجلس نباید چیزی را تصویب کند که قابل تایید شورای نگهبان نباشد. هم او بود که زمانی بغی صدر را به فرماندهی کل قوا گماشت و زمانی دیگر، او را از همه مفاصحتش راند. هم او بود که باورگان را "فخصت و وزیر امام زمان" کرد و کمتر از یک سال بعد، زمینه را برای کناره گیری او فراهم آورد.

مصلحت نظام - این ترجیحی بحد همه فتنه ها و اظهارات خمینی درباره بحران قدرت در رژیم است. خمینی خود را دوراندیش ترین فرد در حکومت می داند، می گوید خود را درماری گروه بندیها و جناح های رقیب قرار دهد و در هر چارهمان که لازم بداند، به جناح معینی میدان عمل می دهد.

تا اینجا قاضیه، سال ۶۶ حاوی هیچ عنصر کیفی نوینی در بحران رژیم نبود. اما ابعاد تحولات این سال، از سالهای پیش از آن فراتر می رود.

سه صحنه از رزم زنان

فلسطین اشغالی

زنان یکی از ارکان اصلی مبارزه علیه اشغالگران صهیونیستند. در روز ۸ مارس زنان فلسطینی در خیابانهای بیت المقدس (اورشلیم) دست به تظاهرات زدند. انبوهی مزدور پلیس وارث به مقابله

با تظاهرکنندگان پرداختند. عکسهای زیر صحنه های غروربرانگیزی از رزم زنان فلسطینی را تصویر می کنند. با حضور موثر زنان جنبش در فلسطین اشغالی، عمیقا توده ای شده است.

شیلی

در روز ۸ مارس پلیس پیغوشه به زنان تظاهرکننده در شهر سانتیاگو حمله برد و ۱۰۰ تن از آنان را دستگیر کرد. پلیس از چند روز پیش برای مقابله با

حرکتهای اعتراضی زنان آمادگی کسب کرده بود. اقدام شجاعانه زنان شیلیایی بازتاب وسیعی در مطبوعات بین المللی یافت.



آفریقای جنوبی

در روز ۸ مارس در شهر ژوهانسبورگ پلیس رژیم نژادپرست به مقابله گروهی از زنان پرداخت که علیه قوانین تازه رژیم

پرتوریا در زمینه ممنوعیت سازمانهای قانونی ضد آپارتاید دست به اعتراض زده بودند.



درباره وضعیت طبقه کارگر عراق

پتیه از صفحه آخر

* "من شنیده‌ام که اتحادیه جهانی سندیکایی تصمیم حکام عراق مبنی بر انحلال اتحادیه سندیکایی سراسری و کارمندی اعلام کردن همه کارگران بخش دولتی را محکوم کرده است. این اقدام را چگونه باید تعبیر کرد؟ چه چیز رژیم بغداد را بر آن داشته است که طبقه کارگر را "مفحل" کند؟" او پیرئوس، یوفا، دیمیتریس کریستوپولوس.

** رئیس جمهور، صدام حسین، در بهار سال ۱۹۸۷ اعلام کرد همه کارگران بخش دولتی او این پس کارمندی محسوب خواهند شد و "اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق" مفحل می‌شود. این تصمیم مورد تایید شورای فرماندهی انقلاب هم قرار گرفت. اهداف این اقدام کدامند؟

تصمیم مؤبور برای کارگران کشور ما غیرمفکره نبود. این تصمیم، نتیجه مفطقی سیاست رهبری بعث مبنی بر سرکوب مبارزه و حتمتکشان با توسل به تضييقات، جلوگیری از سازمان‌یابی آنها و پایمال کردن حقوق و دستاوردهای و حتمتکشان است.

از ویژگی‌ها، بارز یعنی‌های عراق، نفرت از طبقه کارگر و حزب کمونیست آن است. پس از آنکه حزب بعث در ژوئیه ۱۹۶۸ یک کودتا رهبری کشور را به دست گرفت، در همان سال در پیچم نوامبر پلیس طبق دستور از بالا بروی کارگران اعتصابی چاه‌های نفت آتش گشود. کارزار وسیعی برای کشیدن سندیکاهای کارگری به زیر نفوذ یعنی‌ها و تبدیل آنها به عنصری از نظام پلیسی، به دستگامی برای تضمین ایدئولوژیک و گمراه کردن و حتمتکشان آغاز شد. فعالیت سندیکایی تنها برای اعضای حزب بعث مجاز اعلام شد. فرژندان برجسته خلق ما به زندانها و اردوگاه‌ها فرستاده شدند. هرکس که جرات ابراف حتی کوچکترین مخالفتی با سیاست حکام به خود می‌داد، به سختی مجازات می‌شد. در سال ۱۹۷۹، محمدعایش، صدر اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق، با دین‌فائل، دبیر کل اتحادیه و یحیی عبدالعسین، مسئول دفتر مرکزی کارگری حزب بعث، اعدام شدند.

امروز نیز دیکتاتوری به مشی ضد کارگری خود ادامه می‌دهد. استثمار و حتمتکشان را شدت می‌بخشد و او آخرین توان آنها برای جبران کمبود نیروی کار بر اثر بسیج جمعی جهت جنگ بیهوده، بهره می‌گیرد. (در حدود ۵۰ درصد جوانان قادر به کار به سربازی، فرستاده شده‌اند.) حکومت‌گران برای وادار کردن به دم به کار در منطقه جنگی بدون پرداخت اضافه دستمزد، کارزار به اصطلاح ارتقای سطح تخصص حرفه‌ای را به راه انداخته‌اند. بخشی از دستمزد ناچیز و حتمتکشان را به عنوان "کمک به جنگ" نته

می‌دارند، و به اضافه‌کاری بدون اضافه دستمزد، صورت قانونی بخشیده‌اند. به مدیران کارخانه‌ها اجازه داده‌اند و حتمتکشان را به اجبار در هر جا به کارگمارند. به خودکامگی جنبه رسمی داده‌اند؛ مدیریت‌های کارخانه‌ها می‌توانند کارگران را اخراج کنند، آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنند، او مؤایا کسر کنند و غیره.

ساعات کار روزانه به (۱۲ تا ۱۳ ساعت افزایش یافته است. مفع قانونی کارژنان در شیفت شب ملغی شده است. هر کارگری که به‌ذرفر موجه غیبت کند، او چهار برابر دستمزد خود در مدت غیبت محروم می‌شود. به کارگران بیمار تنها ۷۵ درصد بیمه بیماری را می‌پردازند. روزنامه یعنی رسمی "الجمهورية" اعتراف کرده است که خدمات پزشکی در سالهای اخیر ۴۸/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد، اما آن را به "افزایش آگاهی بهداشتی کارگران" نسبت داده است و در این رابطه هیچ اشاره‌ای به جنگ نمی‌کند.

حکومت مدعی است در کشور مبارزه طبقاتی وجود ندارد و می‌کوشد چنین القا کند که رژیم باید ارو ماندنی است. حکومت تلاش دارد نشان دهد تضاد اصلی در جامعه عراق، نه میان و حتمتکشان از یک سو و استثمارگران و گروه حاکم با دستگاه سرکوبش از سوی دیگر، بلکه میان کارگران و کارمندان است. او طریق کارمندی محسوب کردن کارگران می‌خواهند و اشمود کنند کارگران را به بخشی از ماشین دولتی تبدیل شده‌اند و در نتیجه میان آنها و کارفرمایان داری پرورکرات دولتی - هیچ مبارزه طبقاتی دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد.

ماهیت واقعی رژیم از این امر پیداست که می‌کوشد مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را تثبیت کند و برای بخش خصوصی همه نوع امتیاز قائل شود. کارخانه‌های دولتی به مقیاس وسیع به فروش می‌رسند، مزارع دولتی و تعاونی‌های دهقانی مفحل می‌شوند. قوانین مربوط به حقوق و حتمتکشان که آن را در مبارزه‌ای طولانی و سخت کسب کرده‌اند، لغو شده‌اند. رژیم که چهار تئولول شده است، برای جلب حمایت بورژوازی داخلی و خارجی او هیچ کوشی فروگذار نمی‌کند. مثلا در سال ۱۹۸۴ یک اتحادیه کارفرمایان تاسیس شد که در اسناد حزب کمونیست عراق به عنوان هسته یک حزب سیاسی شکل صفت‌ترین افشار بورژوازی بزرگ ارژیایی شده است.

رهبر، بعث با سیاست ضد کارگری خود همچنین می‌کوشد با انتقال بار بهر ان به دوش طبقه کارگر، او

موقعیت بحرانی نجات یابد. بدین منظور، حکومت به موجودی صندوق‌های بازنشستگی و رفاه اجتماعی که از پهل و حتمتکشان جمع شده است، دست می‌افدازد. دیکتاتوری همچنین کارمندان را به کارگری وامی‌دارد تا کمبود پرسنل را که بر اثر جنگ و خروج جمعی کارگران خارجی پیش آمده است، جبران کند. رژیم دچار این توهم است که می‌تواند او این طریق طبقه کارگر را "مفحل" کند و حتی نام آن را از میان ببرد. اما واضح است که رژیم او طبقه کارگر و حزب آن، به‌خصوص اکنون که کمونیست‌ها نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند و فعال‌تر می‌شوند، مبارزه همه‌تیر و های ملی و میهن پرست بر علیه دیکتاتوری رو به اعتلاست

وقتر فوقانی حاکم هر چه بیشتر مؤوی می‌شود، هراس دارد. پایگاه اجتماعی رژیم کوچکتر می‌شود، در محافل گسترده مردم - او جمله در نیروهای مسلح و حزب بعث - ناراضیاتی او سیاست جنگ و سرکوب حکومت بعث و مقاومت در برابر این سیاست رشد می‌کند.

حکومت می‌خواهد او ایجاد هر سازمان مستقلا توسط کارگران که می‌تواند به سلاخی بر دیکتاتوری تبدیل شود، جلوگیری کند. او این رو یک هدف مضحکه "انحلال" طبقه کارگر و "مضمحل" شدن آن در میان توده کارمندان هم این است که سازمانهای کارگری در کارخانه‌های بخش دولتی که بخش اعظم پرولتاریای عراق در آن متمرکز است، او میان بروند.

در یکی از آخرین بیانیه‌های "جبهش سندیکایی دمکراتیک کارگران جمهوری عراق" دستور حکومت مبنی بر کارمندی اعلام کردن کارگران، لفقانون کار و انحلال اتحادیه سراسری سندیکایی محکوم شده است. جبهش مؤبور با اینکه غیرقانونی فعالیت می‌کند، می‌کوشد در واحدهای صنعتی و کشاورزی، شبکه‌ای او پایگاهها ایجاد کند. تا بحال چندین اعتصاب سازمان داده شده‌اند. "صوت‌العمال" (صدای کارگران) ارگان مطبوعاتی مرکزی نقش موثری در متسد کردن و سازماندهی و حتمتکشان دارد و در عین حال به افشای سیاست حکومت برای متفرق کردن صفوف کارگران می‌پردازد.

ما برای همبستگی اتحادیه جهانی سندیکایی اتحادیه سراسری سندیکاهای عرب که کام ضد کارگری رژیم عراق را به مثابه نقض اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و سازمان کار عرب ارژیایی و تاکید کرده‌اند این اقدام در چارچوب تشدید یورش به حقوق و آوادیهای سندیکایی در کشورهای مختلف است، اهمیت و یادی قائلیم. این اتحادیه‌ها او دولت عراق خواسته‌اند فرمان انحلال اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق را پس گرفته بار دیگر اجازه فعالیت آواداده این اتحادیه را صادر کنند.

- * ص ۱۲، ستون ۱ بند ۱۰، پاراگراف ۲، سطر ۶
- به این رژیم
- * ص ۱۲، ستون ۱، بند ۱۱، سطر ۲
- بشریت را
- * ص ۱۲، ستون ۲، بند ۵، سطر ۹ و ۱۰
- * ص ۱۴، ستون ۱، سطر ۸ و پیچیده با سرعت
- * ص ۱۴، ستون ۲، سطر ۱۰ و ۱۱
- ۱- اتکلس، منبع پیشین، ص ۶۹
- ۲- (۱۰) فراتیکسکا ائتورم، مساله زن و
- شینیسیم، نشریه کسه کوپیت، برلین غربی، شماره اول سال ۱۹۸۱، ص ۶۵
- ۳- (۱۱) آگوست ببل و منبع پیشین، ص ۶۹

- کلکتیوهای پایدار کار
- * ص ۱۱، ستون ۲، بند ۵، سطر ۲ در تضمین بقا
- * ص ۱۱، ستون ۲، پاراگراف ۴، استثمار شدید
- نظام و از این طریق
- * ص ۱۲، ستون ۲، بند ۸، پاراگراف ۲، سطر ۶
- رفیق تبعیض و ستم جنسی است، نظام همه طبقات و
- انتشار شرکت می‌جویند. این موضوع که تا چه حد
- جبهش "خواهران متخاصم" بورژوازی و پرولتری ده
- گوشته در جریان افکشاف سرمایه‌داری افضصاری
- دولتی به یکدیگر نزدیک شده‌اند، مساله‌ای است
- که باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. امروزه در
- جریان دگرگونی‌های عظیم جامعه ...

تصحیح و پوزش

متاسفانه مقاله "توهای در زمینه آزادی و نشان" که در شماره پیشین "اکثريت" چاپ شد، حاوی غلطهای چاپی عدیده‌ای بوده است، که ضمن پوزش او خوانندگان بدینوسیله شکل صحیح غلطهای عمده آن ذکر می‌شود:

- * ص ۱۰، ستون ۲، سطر اول، مورد بررسی ...
- بند ۲، سطر ۱، تعیین‌گرایی سطر ۱۴، نوع - ۴ سطر
- مانده به آخر ستون و قوم شناسی
- * ص ۱۱، ستون اول، سطر ۵، دوکلان - سطر ۶
- عضو کلان خود، سطر ۷، وگاه در میان - سطر ۱۰

برای ریشه‌یابی و بر طرف کردن مسایل پدید آمده در فراه باغ

دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی از دبیران کمیته مرکزی، خواسته است اوضاع فراه باغ را بررسی کرده و مسائل اخیر در این منطقه خود مختار و در جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان را ریشه‌یابی کنند. هیات دبیران پس از تحلیل اوضاع پیشنهادها، خود را برای حل مساله در اختیار کمیته مرکزی، حزب و دولت شوروی قرار خواهد داد.

این موضوع پس از یک اجلاس شوروی در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که دبیران اول حزب کمونیست آذربایجان و حزب کمونیست ارمنستان نیز در آن شرکت داشتند اعلام شد. اجلاس از کارن دمیرچیان دبیر اول، حزب کمونیست

ارمنستان و کامران باقراف دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان خواست به اتفاق هم راه‌حلی، موثر دراز مدتی را بیابند که مناسبات خلقهای ارمنی و آذری را بر مبنای اصول لنینی حل مساله ملیتها، مودت آمیز کند.

میخائیل گورباچف در اجلاس شوروی تاکید کرد که اصول لنینی حل مساله ملیتها باید کاملاً رعایت شده و بر این اساس بین همه خلقهای اتحاد شوروی مناسبات برادرانه برقرار شود. گورباچف تاکید کرد که امروزه فوسازی در ارتباط با بر طرف کردن مشکلات ملی قادر است به حل مسائلی که در برابر خود نهاده نایل شود.

درگیری میان حزب الله و امل در لبنان

به گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی، بدنبال ربه شده شدن سرهنگ آمریکایی هیکینز از افسران نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان توسط گروه حزب الله، نیروهای گروه امل به مواضع طرفداران خمینی در جنوب لبنان حمله ور شده در جستجوی محل زندانی شدن سرهنگ آمریکایی، چندتن از افراد حزب الله را بازداشت کردند. جمهوری اسلامی و طرفداران لبنانی اش نسبت به این اقدام امل واکنش تند و تندی نشان دادند.

در ادامه درگیری، نیروهای امل به یک دفتر تبلیغاتی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی در بندر صور حمله کردند. همچنین در روز ۶ اسفند ماه (۱۶ مارس) میان نیروهای امل و حزب الله در روستایی در منطقه فبلیه زدوخوردی روی داد که طی آن ۸ تن از طرفین مجروح شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در این درگیری از سلاح‌های خودکار و موشک ضدتانک استفاده شد.

حامیان رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی



نمایندگان انگلستان و آمریکا در شورای امنیت، دستشان را به حمایت از رژیم نژادپرست آفریقا، جنوبی بلند کرده‌اند.

تشدید فشار آمریکا بر روی پاناما

در هفته گذشته فشار آمریکا بر روی پاناما برای اعاده پست رئیس جمهوری به بهره‌مورد اعتماد ایالت متحده دلواله، فزونی گرفت. مجانب ضایندگان از کاخ سفید خواست که تمهیدات حادی علیه پاناما اتخاذ کند. ایالت متحده هر ماه از بابت اجاره کانال پاناما ۶/۵ میلیون دلار به دولت این کشور می‌پردازد. از جمله تمهیدات کاخ سفید عدم پرداخت این مبلغ به پاناما است. آمریکا علاوه بر فشار اقتصادی موجی از ناآرامی در پاناما به راه انداخته است. هدف آمریکاتداوم چنگ اندازی بر روی کانال پاناما است.

آمریکا ۱۰۰۰۰ سرباز در پاناما مستقر کرده است. آنها آماده شده‌اند تا هر آن دست به مداخله مستقیم در امور داخلی پاناما بزنند.

روزشهادت فلسطین اشغالی

چهارشنبه گذشته "روزشهادت" فلسطین اشغالی بود. به همین مناسبت در اردن غربی و نوار غزه تظاهرات متعددی برگزار شد. اشغالگران صهیونیست وحشیانه به تظاهرکنندگان حمله بردند و سه جوان فلسطینی را کشتند.

شیرش خاق در مناطق اشغال شده نیرنگهای مختلف برای لنگدکوب کردن حقوق مردم فلسطین در پوش راه‌حلیهای دیپلماتیک را خنثی می‌کند. طرح شولتو، برای سلب حق نمایندگی خلق فلسطین از سوی ساف ره به جایی نپرد. ساف شرکت در یک اجلاس بین‌المللی در قالب جز "فروست هیات نمایندگی اردن هاشمی را رد کرد و این طرح را یک "توطئه آمریکایی" نام نهاد. اختلاف داخلی حکومت اسرائیل نیز در بی‌سراجم ماندن طرح شولتر موثر بود.

در هفته گذشته دولت آمریکادفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در مقر سازمان ملل متحد را بست. این اقدام کینه‌توزانه، که خلاف موازین پذیرفته شده در رابطه با استقرار امریکائیان در شهر نیویورک است، مورد انتقاد دبیرکل سازمان ملل قرار گرفت.

مبارزات انتخاباتی در آمریکا

مبارزات پیش از انتخابات رئیس جمهوری، در هفته گذشته، در جوش و شوش را در مقام کاندیدای حزب جمهوری خواه تثبیت کرد. تاکنون او و حامیانش ۲۲ میلیون دلار برای کسب این موفقیت خرج کرده‌اند. رقبای جوش از حزب دموکرات به ترتیب امتیازاتی که در جریان مبارزات پیش از انتخابات به دست آورده‌اند عبارتند از مایکل دوکاکیس فرماندار ایالت ماساچوست و سناتور آلبرت گار از ایالت تنسی.

آنها قطعنامه مجازات اقتصادی رژیم پرتوریا در شورای امنیت را وتو کردند.

ریاست جمهوری مجدد دودبکتاتور

ژنرال ارشاد مجدداً جای‌شیرا در مقام رئیس جمهور بنگلادش تثبیت کرد. عوامل او در پارلمان اکنون اکثریت را به دست آورده‌اند. انتخابات پارلمان را احزاب اپوزیسیون تحریم کرده بودند. در چهارماه گذشته بنگلادش هر روز روزه گرفته است. اعتصاب و تظاهرات بوده است. در این مدت ۲۵ بار در بنگلادش اعتصاب عمومی برگزار شده است. هر هفته چند ده نفر به دست پلیس و ارتش کشته شده‌اند. -سوارتروشیوز برای ۵ سال دیگر برکسی ریاست جمهوری اندونزی تکیه خواهد زد. او از ۲۰ سال گذشته تاکنون عهده‌دار این مقام بوده است. کودتا علیه سوکارتو، وی را به این مقام رساند. در جریان این کودتا ویس از آن دست کم نیم میلیون نفر قتل عام شده و ۶۰۰۰۰ نفر به زندان افکنده شدند. قربانیان این کودتا عمدتاً کمونیستها بودند.

درباره وضعیت طبقه کارگر عراق

هرگز هفته از "مسایل صلح و سوسپال لیسم"، شماره ۲ سال ۱۹۸۸

ملیقاتی را با فرمان و قانون، "پایان بخشید". صدام حسین با از این هم فراتر گذاشته و طبقه کارگر را به خیال نمود "مذحل" کرده است. نشریه مسائل صلح و سوسپال لیسم در شماره ۲ سال ۱۹۸۸، در بخش پاسخ به سئوالات خوانندگان به این فرمان و وضعیت طبقه کارگر در عراق پرداخته است که ترجمه آن را در ژیر می خوانید. این پاسخ به قلم قزوینه عابد، نماینده "جنتیش سدیگایی دمکراتیک کارگران جمهوری عراق" است. بقیه در صفحه ۱۴

چندماه پیش، صدام حسین دیکتاتور عراق با صدور فرمانی، همه کارگران بخش دولتی این کشور را "کارمند" اعلام و اتحادیه عمومی سدیگامای عراق را منحل کرد. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم عراق چاره چنجال فراوانی در این باره به راه انداختند که یادآور تبلیغات مشابه فاشیسم هیتلر و موسولینی بود. همه دیکتاتورها، از جمله شاه، خمینی و صدام حسین، کوشیده و می کوشند خود را "ماورای ملیقات" جا بزنند. همه آنها کوشیده و می کوشند تا مبارزه

کنگره صلح در ایتالیا

اولین کنگره نمایندگان کمیته‌ها و انجمن‌ها، کوناکون محلی در ایتالیا که برای پیشبرد مبارزه در راه صلح و خلع سلاح می کوشند، در روزهای ۲۶ تا ۲۸ فوریه ۱۹۸۸ در شهر باره، ایتالیا برگزار شد. در این کنگره فداییان خلق ایران

(اکثریت) در ایتالیا شرکت داشتند و ملی اجلاس عمومی آن بیامی قرائت کردند. در پیام مزیور، ادامه جنگ ایران و عراق محکوم شد و از شرکت کنندگان در کنگره خواسته شد همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران در راه صلح گسترش بخشند.

در نگاه آخر به مالی که سر آید

- * جنگ در سال ۶۶: درماندگی در فاز بین المللی در صفحه ۸
- * سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم در صفحه ۱۱
- * مروری بر رژیم پرشکوه زندانیان سیاسی در سال گذشته در صفحه ۱۰

توضیح:

به منظور فراهم کردن زمینه نشریه اکثریت به روزی هر سال یک هفته منحل خواهد بود. به منظور نشریه در روز اول فروردین انتشار خواهد یافت. شماره ۲۰ نشریه اکثریت در روز ۸ و ۹ و ۱۰ فروردین منتشر می شود.

آن دانه‌ها زیر زمین

یک روز نخلستان شود

آمد بهار عاشقان تا خاکدان بستان شود
آمد ندای آسمان تا مرغ جان بران شود
هم بحر بر گهر شود، هم شوره چون کوثر شود
هم سنگ لعل کان شود، هم جسم جمله جان شود
گر چشم و جان عاشقان چو ابر طوفان بار شد
اما دل اندر ابر تن چون برقها رختان شود
داشی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان؟
زیرا که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
ای شاد و خندان ساعتی! کان ابرها گرفته شد
پارب خجسته حالتی! کان برقها خندان شود
زان صدهزاران قطره‌ها یک قطره شاید بر زمین
وروانک آید بر زمین جمله جهان ویران شود
جمله جهان ویران شود و ز عشق هر ویرانه‌ای
با فوج هم کشتی شود پس محرم طوفان شود
طوفان اگر ساکن بدی گردان نبودی آسمان
نوان موج بیرون از جهت این ش جهت چنهان شود
ای مانده ژیر ش جهت هم شم بخور هم مخور
کان دانه‌ها زیر زمین یک روز نخلستان شود
از جاک رووی سرکنده، آن بیخ شاخ تر کند
شاخی دو سه گر خشک شد باقیش آستان شود
و آن خشک چون آتش شود، آتش چو جان هم خوش شود
آن این نباشد این شود این آن نباشد آن شود
چیزی دهام را بهست، یعنی کفار بام و مست؟
هر چه توزان حیران شوی آن چیز از حیران شود

مولوی

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله
۴۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.199
MONDAY 14 MAR 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

بهاران خجسته باد